

جمهوری اسلامی ایران

گزارش تهیه شده توسط سازمان غیردولتی درباره وضعیت انطباق ایران  
با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

برای طرح در تهیه پیش‌نویس فهرست موضوعات  
صدمین نشست کمیته حقوق بشر



مرکز اسناد حقوق بشر ایران

<http://www.iranhrdc.org/>

جمهوری اسلامی ایران

---

وضعیت:

گزارش مربوط به دولت که در تاریخ آبان ۱۳۸۸ ارائه گردیده است

---

گزارش وضعیت حقوق بشر

در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: مرکز اسناد حقوق بشر ایران

<http://www.iranhrdc.org>

---

تماس:

رنه ک. ردمن

مدیر اجرایی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران

[redman@iranhrdc.org](mailto:redman@iranhrdc.org)

## فهرست

۴	مقدمه
۵	تساوی حقوق مردان و زنان (ماده ۳)
۵	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۵	تبعیض قانونی علیه زنان
۷	آزادی سفر (ماده ۱۲)
۷	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۷	آزادی سفر و زندگی در سراسر کشور
۹	آزادی ترک کشور
۱۰	حق برخورداری از حریم خصوصی (ماده ۱۷)
۱۰	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۱۱	مداخله در مؤسسات و اموال بهائیان
۱۱	نظارت‌های توجیه ناپذیر
۱۳	تفتیش‌ها و دستگیریهای خودسرانه
۱۶	آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (ماده ۱۸)
۱۶	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۱۷	سرکوب بهائیان
۱۸	تبعیض و آزار و اذیت مسیحی شدگان
۱۹	هدف قرار دادن مخالفان سیاسی
۱۹	آزادی بیان (ماده ۱۹)
۱۹	گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۲۰	قانون مطبوعات و دیگر قوانینی که آزادی مطبوعات را محدود می‌سازد
۲۲	هدف قرار دادن روزنامه نگاران و وبلاگ نویس‌ها
۲۴	جرم دانستن توهین
۲۵	محدودیت‌های اینترنتی
۲۸	آزادی تجمع (ماده ۲۱)
۲۸	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۳۰	سرکوب اعتراضات و تظاهرات پس از انتخابات
۳۳	آزادی انجمن (ماده ۲۲)

۳۳.....	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۳۵.....	رهایی از دستگیریه‌ها و بازداشت‌های خودسرانه (ماده ۹)
۳۵.....	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۳۶.....	دستگیریه‌ها و بازداشت‌های خودسرانه به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸
۴۰.....	وثیقه‌های هنگفت و فرض بر گناهکار بودن
۴۲.....	حق برخورداری از محاکمه عادلانه (مواد ۹ و ۱۴)
۴۳.....	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۴۴.....	دسترسی با تأخیر و یا عدم دسترسی به دادگاه
۴۵.....	محاکمات غیابی
۴۵.....	عدم دسترسی به وکیل مدافع
۴۷.....	محاکمات گروهی نمایی به دنبال انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸
۴۷.....	اعترافات اجباری
	مصون بودن از رفتارهای غیر انسانی در حین بازداشت و شکنجه (مواد ۷ و ۱۰)
۴۹.....	
۴۹.....	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۵۰.....	شرایط غیر بهداشتی و نامناسب زندان
۵۲.....	عدم دسترسی به مراقبت‌های پزشکی
۵۲.....	عدم دسترسی به خانواده
۵۵.....	استفاده از سنگسار و شلاق به عنوان شکنجه
۵۵.....	استفاده از شکنجه و بد رفتاری به عنوان مجازات و سرکوب
۵۷.....	استفاده از تجاوز جنسی به عنوان شکنجه
۵۸.....	استفاده از حبس انفرادی به عنوان شکنجه
۶۰.....	شکنجه روانی و اعترافات اجباری
۶۱.....	فقدان غرامت برای قربانیان شکنجه و بد رفتاری
۶۲.....	ر بوده شدن‌های اجباری
۶۳.....	حق حیات (ماده ۶)
۶۳.....	ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو
۶۴.....	استفاده از مجازات اعدام پس از انتخابات سال ۱۳۸۸
۶۴.....	استفاده از نیروهای مهلک علیه تظاهرکنندگان
۶۶.....	نتیجه گیری و توصیه

گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران  
در پاسخ به سومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران  
درباره میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،  
که در تاریخ ۵ آبان ۱۳۸۸ دریافت گردیده است

مقدمه

مرکز اسناد حقوق بشر ایران یک سازمان مستقل، بی‌طرف، و غیرانتفاعی است که در شهر نیویورک در ایالت کانتیکت ایالات متحده آمریکا واقع شده است. مأموریت این سازمان به شرح زیر است: (۱) بنیانگذاری یک سابقه تاریخی جامع و عینی در باره وضعیت حقوق بشر در ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷، و سپس بر پایه آن سند، ایجاد حس مسئولیت در قبال آشکال مختلف نقض حقوق بشر؛ (۲) قرار دادن این سوابق در آرشیوی که برای انجام تحقیقات و مقاصد آموزشی بتواند در دسترس عموم قرار گیرد؛ (۳) ترویج پاسخگویی، احترام به حقوق انسان و حکومت قانون در ایران؛ و (۴) تشویق به انجام بحث‌های آگاهانه در میان محققان و عموم مردم در داخل و خارج از ایران، در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران دارای دو برنامه اساسی است: (۱) یک برنامه تحقیقی، تحلیلی، و گزارشی در باره حقوق بشر، و (۲) تهیه یک بانک اطلاعاتی بزرگ از اسناد (مجموعه عادل) روی وبسایت این مرکز، به آدرس [www.iranhrdc.org](http://www.iranhrdc.org)، که در دسترس عموم مردم ایران و جهان قرار دارد. گزارش‌های حقوق بشر، که به زبانهای انگلیسی و فارسی منتشر گردیده، نتیجه تحقیقات اولیه گسترده، از جمله مصاحبه‌هایی با افراد مقیم در نقاط مختلف جهان می‌باشد. مجموعه عادل شامل شواهد مستند، مطالبی از منابع ایرانی، قوانین ایران و حقوق بین‌الملل و مقالات حقوقی، اسنادی از سازمان ملل متحد، و شهادتنامه‌های مطول کتبی و ویدیوئی شهود می‌باشد.

اطلاعات مندرج در این گزارش، از گزارش‌های مرکز اسناد حقوق بشر ایران، تفاسیر حقوقی، شهادتنامه شهود، و اطلاعیه‌های مطبوعاتی گرفته شده که در وبسایت این مرکز به زبانهای انگلیسی و فارسی منتشر گردیده است.

وضعیت انطباق جمهوری اسلامی ایران  
با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

تساوی حقوق مردان و زنان (ماده ۳)

ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۱- در سال ۱۳۷۲، کمیته حقوق بشر (که از این به بعد «کمیته» نامیده خواهد شد) از جمهوری اسلامی ایران (که از این پس «ایران» یا «کشور عضو» نامیده خواهد شد) خواست موضوع «تداوم و گستره تبعیض علیه زنان» را مطرح سازد.<sup>۱</sup> کشور عضو پاسخ داد که «سیاست و خط مشی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با زنان و مردان، پیشگیری از اعمال خشونت و سرکوب علیه زنان می‌باشد».<sup>۲</sup> کشور عضو اظهار می‌دارد که «اگر آداب و سنن محلی بخواهند به هر شکلی حقوق زنان را نقض نمایند یا با اخلاقیات مغایرت داشته باشند، ممنوع خواهند شد».<sup>۳</sup> کشور عضو لزوم پوشیدن حجاب توسط زنان را مورد تأکید قرار داده و می‌گوید «برابری جنسیتی ... لزوماً به معنای برابری در تمام زمینه‌ها نیست».<sup>۴</sup>

تبعیض قانونی علیه زنان

۲- بر طبق قانون ایران با زنان به طور نابرابر رفتار می‌شود.

---

<sup>۱</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد [U.N. Human Rights Comm.]، «مشاهدات نهایی درباره ایران (جمهوری اسلامی)» [Concluding Observations on Iran (Islamic Republic of)]، سند سازمان ملل CCPR/C/79/Add.25 (۱۹۹۳)،

پاراگراف ۱۳، [از این به بعد «ملاحظات نهایی»].

<sup>۲</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد [U.N. Human Rights Comm.]، «سومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران» [Third Periodic Report of Iran (Islamic Republic of)]، (۲۷ اکتبر ۲۰۰۹)، پاراگراف ۱۶۵ [از این به بعد: «سومین

گزارش دوره‌ای ایران»].

<sup>۳</sup> همان، پاراگرافهای ۱۲۵ و ۱۷۶.

<sup>۴</sup> همان، پاراگرافهای ۱۶۵ و ۱۷۶.

- سن قانونی ازدواج برای زنان ۱۳ و برای مردان ۱۵ سال می‌باشد. مردها می‌توانند در آن واحد تا چهار همسر دائمی و نیز تعداد نامحدودی همسران موقت اختیار کنند.<sup>۵</sup>
- مردان دارای اختیار کامل برای طلاق می‌باشند در حالیکه زنان فقط می‌توانند تحت شرایط خاصی، که بعضی از آنها نیز باید در قرارداد عقد مورد توافق قرار گرفته شده باشد، اقدام به طلاق نمایند.
- مادران می‌توانند حضانت فرزندان خود را تا هنگامی که آنها به سن هفت سالگی می‌رسند داشته باشند، اما پس از رسیدن به سن هفت سالگی، پدران خود به خود دارای حق حضانت اولاد می‌گردند. مادران در صورت ازدواج مجدد، خود به خود حق حضانت خویش را از دست می‌دهند.
- مادران هرگز نمی‌توانند حق قیمومت فرزندان خود را در صورت فوت پدر فرزندان، به دست آورند.
- زنان به عنوان همسر، مادر، خواهر یا دختر، حق برخورداری عادلانه از ارث را ندارند. حتی هنگامی که زن، یگانه بازمانده نسبت به دارایی شوهرش می‌باشد، نمی‌تواند بیش از یک چهارم ماترک وی را صاحب شود. در صورتی که اگر زن، تنها بازمانده نباشد، سهم وی از دارایی شوهر به یک هشتم محدود می‌گردد.
- تنها پدران ایرانی می‌توانند تابعیت خود را به فرزندان انتقال دهند.<sup>۶</sup>
- ارزش شهادت یک زن، مطابق قانون، به نصف ارزش شهادت یک مرد تقلیل یافته است.
- تحت برخی شرایط، تکیه صرف بر شهادت زنان (صرف نظر از تعداد آنها) می‌تواند افترا محسوب شود.
- قانون در صورت وقوع قتل و یا صدمه، مبلغی را تعیین می‌کند که دیه - خون‌بها - نام دارد و باید به قربانیان و یا خانواده آنها پرداخت گردد؛ مقدار دیه یک زن مسلمان نصف دیه یک مرد مسلمان می‌باشد.
- سن مسئولیت کیفری برای دختران ۹ سال قمری و برای پسرها پانزده سال قمری می‌باشد.<sup>۷</sup>
- مردها به دلیل کشتن همسران خیانتکار و معشوقه‌اشان از مجازات شدن در امان هستند. زنانی که جرمشان زنای محصنه باشد، را می‌توان سنگسار کرد.
- پدرها و اجداد پدری که فرزندان یا نوه‌هایشان را بکشند، تنها موظف به پرداخت خون‌بها هستند و مجازات ایشان بسته به صلاحدید دادگاه خواهد بود.<sup>۸</sup>

<sup>۵</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، ص. ۱۱ (۱۳۸۹)، قابل دسترسی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Women's%20Rights.pdf>

<sup>۶</sup> همان.

<sup>۷</sup> همان.

<sup>۸</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۱۱-۱۲.

### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۳- کمیته در سال ۱۳۷۲ ذکر کرد که «مقررات قانونی که امکان تبعید افراد، یعنی باز داشتن آنها از سکونت در محل مورد نظرشان، یا اجبار آنان به اقامت در یک مکان بخصوص را مجاز می‌شمارد»، نقض ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شود.<sup>۹</sup> ایران در گزارش سال ۱۳۸۸ خود از اینگونه محدودیت‌های سفر، سخنی به میان نیاورده است.<sup>۱۰</sup> همانطور که کمیته در مورد پرونده «لیختن‌اشتاین علیه اوروگوئه» اظهار داشته است، هیچ حکومتی نمی‌تواند برای مقابله با فعالیت‌های سیاسی شهروندان، در آزادی آنها برای سفر مداخله نماید.<sup>۱۱</sup>

### آزادی سفر و زندگی در سراسر کشور

۴- ایران آزادی سفر فعالان سیاسی و افراد دیگری که تهدیدی برای کشور عضو به حساب می‌آیند، را محدود می‌سازد.

<sup>۹</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف ۴. برای مثال ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی ایران محارب را به عنوان «هر کسی که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد» تعریف می‌کند. ماده ۱۹۰ اظهار می‌دارد که یکی از مجازات‌های مربوطه، نفی بلد [تبعید] می‌باشد. مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «ارعاب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران»، ص. ۹، زیرنویس ۲۳ (فروردین ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Covert%20Terror-Iran's-Parallel-Intelligence-Apparatus.pdf>.

<sup>۱۰</sup> نگاه کنید به «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۱۵۸-۱۶۳.

<sup>۱۱</sup> «لیختن‌اشتاین علیه اوروگوئه» [Lichtensztejn v. Uruguay]، پیام شماره ۷۷/۱۹۸۰ (۳۱ مارچ ۱۹۸۳)، بخش ۸،۲، سند سازمان ملل CCPR/C/18/D/77/1980، قابل دسترسی در <http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/newscans/77-1980.html> (نتیجه‌گیری می‌کند که امتناع دولت از صدور مجدد گذرنامه خواهان «بدون وجود هیچ دلیل قابل توجهی» به علت اینکه خواهان از سیاست‌های دولت انتقاد کرده است، حق آزادی سفر خواهان را نقض کرده است).

- در سال ۱۳۸۲، نیروهای انتظامی و مأموران لباس شخصی، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر انصافعلی هدایت را مورد ضرب و شتم قرار داده و تهدید کردند که اگر وی تبریز را در عرض شش ماه ترک نکند، بیضه‌های او را خواهند برید.<sup>۱۲</sup>
- در بهمن ماه ۱۳۸۳، وزارت اطلاعات دستور داد آرش سیگارچی به جنوب ایران تبعید گردد تا امکان فرار وی به خارج از کشور را محدود نماید.<sup>۱۳</sup>
- به دنبال انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸، دادگاهی، احمد زیدآبادی، دبیر کل تحکیم وحدت (که یک سازمان دانشجویی است) را به پنج سال تبعید به شهری در شمال غرب ایران محکوم نمود.<sup>۱۴</sup>

۵- ایران همچنین با دستگیری‌های خودسرانه و پی‌درپی بازداشت شدگان سابق و نیز موظف نمودن آنها به معرفی متناوب خود به یک دادگاه یا اداره بخصوصی، آزادی سفر آنان را مختل می‌سازد.

- پس از آنکه مقامات، فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان را در فروردین ماه ۱۳۸۰ آزاد نمودند، فعالیت‌های وی را دائماً زیر نظر گرفتند و هر از چند گاهی جلوی او را گرفته، از او بازجوئی می‌کردند، و وی را برای حضور در دادگاه احضار می‌نمودند.<sup>۱۵</sup>
- در آذر ۱۳۸۸ و پس از آزاد کردن فعال حقوق زنان، محبوبه عباسقلی‌زاده از زندان، نیروهای دولتی به ایجاد مزاحمت و دخالت در حریم خصوصی وی پرداختند. بازجوها دائماً با وی تماس گرفته و او را تهدید می‌کردند، تا وی به ناچار، سیم کارت تلفن همراهش را از آن خارج ساخت. در اوایل دی ماه ۱۳۸۸ عباسقلی‌زاده در منزل یکی از دوستانش مخفی گردید، اما مأمورین منزل وی را تفتیش نموده و رایانه دستی وی را با خود بردند.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۲</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، صص. ۲۲، ۷۰. «شهادتنامه انصافعلی هدایت»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۴ آذر ۱۳۸۷)، پــارارگراف ۲۱، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/EHWS.pdf>.

<sup>۱۳</sup> «شهادتنامه آرش سیگارچی»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۲ آبان ۱۳۸۷)، پــارارگراف ۵۴، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Arash%20Sigarchi.pdf>.

<sup>۱۴</sup> «پیامد خشونت بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب دگراندیشان در ایران»، ص. ۹۷ (بهمن ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Violent%20Aftermath.pdf>.

<sup>۱۵</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۸ اسفند ۱۳۸۷)، پــارارگراف ۴۷، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/FDMWS.pdf>.

<sup>۱۶</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۴.



- چند هفته پس از دستگیری و ضرب و شتم تانیا احمدی کلیجی، و سپس آزاد ساختن او بدون هیچگونه اعلام جرمی در دی ماه ۱۳۸۸، او اخطاریه‌ای از دادگاه مبنی بر معرفی خود به دادگاه دریافت نمود.<sup>۱۷</sup>

## آزادی ترک کشور

۶- ایران، با جلوگیری خودسرانه افراد از ترک کشور، آزادی سفر آنها را مختل می‌سازد.

- در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸، مقامات کشور عضو، از سفر دو فعال برجسته حقوق زنان به گواتمالا برای شرکت در کنفرانسی که قرار بود در آن، در باره نقش زنان در دمکراسی‌ها سخنرانی کنند، جلوگیری کردند. این خانم‌ها به نام‌های نرگس محمدی و ثریا عزیزپناه را در فرودگاه امام خمینی متوقف نموده و به آنها دستور دادند که خود را ظرف ۷۲ ساعت به دادگاه انقلاب تهران معرفی نمایند. به آنها هیچگونه توضیحی داده نشد.<sup>۱۸</sup>
- چهار روز پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، روزنامه نگار یونانی به نام یاسون آتاناسیادس [ Iason Athanasiadis ] در حالیکه کشور را از طریق فرودگاه تهران ترک می‌گفت، دستگیر و بازداشت گردید.<sup>۱۹</sup>
- آیدا سعادت، روزنامه نگار و فعال حقوق زنان، پس از آنکه در مرداد ماه ۱۳۸۸ نامه سرگشاده‌ای را که از عکس‌العمل دولت در برابر اعتراضات پس از انتخابات انتقاد می‌کرد، امضاء نمود، ممنوع‌الخروج گردید.<sup>۲۰</sup>
- ژینا مدرس گرگی، یک فعال حقوق زنان در سنندج، در روز ۲۲ آبان ۱۳۸۸ در حالیکه قصد سفر به دبی را داشت، در فرودگاه متوقف شد. او از مقابل باجه کنترل گذرنامه عبور کرد و مهر خروج را دریافت نمود، اما نامش را از بلندگوی فرودگاه اعلام نمودند. یک مأمور لباس شخصی گذرنامه او را توقیف نمود و به او دستور داد تا خود را به دادگاه انقلاب در سنندج معرفی نماید.<sup>۲۱</sup>
- در روز ۱۷ اسفند ۱۳۸۸، مقامات، سیمین بهبهانی، شاعر ملی ایرانی و فعال با سابقه حقوق زنان را از ترک کردن فرودگاه امام خمینی باز داشته و گذرنامه او را توقیف نمودند. مفسران معتقدند

<sup>۱۷</sup> همان، ص. ۲۵.

<sup>۱۸</sup> همان، ص. ۱۶.

<sup>۱۹</sup> «پیامد خشونت‌بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۶۹.

<sup>۲۰</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۹.

<sup>۲۱</sup> همان.

ممنوع الخروج شدن وی از سفر، در پاسخ به نظراتی بود که وی کوتاه زمانی پس از مرگ ندا آقاسلطان در خرداد ۱۳۸۸ در رسانه‌های بین‌المللی ابراز داشته بود.<sup>۲۲</sup>

• منصوره بهکیش، یکی از اعضای مادران صلح و مادران عزادار، در روز ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ از سفر به ایتالیا برای دیدار فرزندان خود باز داشته شد. مأموران اداره گذرنامه، بدون ارائه هیچگونه توضیحی گذرنامه وی را مصادره نمودند.<sup>۲۳</sup> مادران عزادار یک گروه جامعه مدنی است که توسط مادرانی که فرزندان و همسران خود را به دنبال انتخابات جنجال برانگیز خرداد ۱۳۸۸ ریاست جمهوری از دست داده بودند (و نیز حامیان آنها) تشکیل گردید. مادران عزادار برای عزیزان خود مراسم شب زنده‌داری برگزار می‌کنند.<sup>۲۴</sup>

### حق برخورداری از حریم خصوصی (ماده ۱۷)

#### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۷- کمیته حقوق بشر در مشاهدات نهایی خود در سال ۱۳۷۲ ایران را به «برداشتن قدمهای لازم برای حصول اطمینان از اجرای حقوقی که در ماده ۱۷ قید شده، ... بدون هیچگونه شرط و شروطی، به جز مواردی که در میثاق ذکر گردیده» ترغیب کرد.<sup>۲۵</sup>

۸- در گزارش سال ۱۳۷۲ خود، کشور عضو، اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نقل کرد که می‌گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». ایران همچنین موادی از دیگر قوانین داخلی خود را ذکر نمود که مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی افراد را منع می‌نماید.<sup>۲۶</sup>

---

<sup>۲۲</sup> همان.

<sup>۲۳</sup> همان، ص. ۴۰.

<sup>۲۴</sup> همان، ص. ۱۷، یادداشت ۱۲۳.

<sup>۲۵</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف ۲۳.

<sup>۲۶</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۴۳۲ و ۴۳۷-۴۴۹.

۹- در سال ۱۳۷۷، مقامات کشور عضو به بیش از ۵۰۰ منزل بهائیان که جوانان در آن تعلیم می‌دیدند، یورش بردند. مقامات، کتابها، رایانه‌ها، سوابق و دیگر لوازمی که با هیچ جرمی ارتباط نداشت را مصادره نمودند.<sup>۲۷</sup> مقامات در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به تعطیل نمودن کلاسها ادامه دادند. علاوه بر نقض قوانین ایران که تفتیش‌های خودسرانه را منع می‌نماید، این حملات، ماده ۱۷ را نیز نقض نموده است.<sup>۲۸</sup>

### نظارت‌های توجیه ناپذیر

۱۰- کمیته معتقد بود که «تحت نظر گرفتن، چه به صورت الکترونیک و چه به طرق دیگر، استراق سمع تلفنی، تلگرافی، و اشکال دیگر ارتباطات، گوش کردن به مکالمات تلفنی و ضبط آن باید ممنوع گردد.»<sup>۲۹</sup>

۱۱- کشور عضو برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی مربوط به شهروندان خود، آنها را به طور گسترده‌ای تحت نظر دارد.

- در سال ۱۳۸۵، وزارت کشور به معاونان امنیت سیاسی در سراسر ایران دستور داد تا «فعالتهای اجتماعی بهائیان را به دقت تحت نظر و کنترل قرار دهند» و ادعا نمود که بهائیان با «سازمانهای صهیونیستی ضد دولت» ارتباط دارند.<sup>۳۰</sup>
- «ثریا» که به دیانت مسیحی گرویده بود، پس از انجام یک مکالمه تلفنی که در آن در مورد برادرش که او هم به مسیحیت گرویده و در سال ۱۳۷۶ ناپدید شده بود، درخواست کمک نمود، متوجه شد مقامات مکالمات وی را تحت نظر دارند. وی پس از اتمام مکالمه تلفنی خود، بر روی تلفن همراهش

<sup>۲۷</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «دیانتی ممنوع: آزار و تعقیب بهائیان در ایران» (دی ماه ۱۳۸۵)، ص. ۶۰، قابل دسترسی در [http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/A-Faith-Denied\\_Dec06.pdf](http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/A-Faith-Denied_Dec06.pdf)

<sup>۲۸</sup> «جستجوی منزل شخص باید محدود به جستجوی شواهد ضروری باشد و نباید گذاشت به حد اذیت و آزار برسد.» تفسیر عمومی شماره ۱۶، ماده ۱۷: حق حفظ حریم خصوصی افراد، پاراگراف ۸، سند سازمان ملل (Vol. I HRI/GEN/1/Rev.9)، قابل دسترسی در <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/comments.htm>.

<sup>۲۹</sup> همان.

<sup>۳۰</sup> «دیانتی ممنوع»، رک. زیرنویس ۲۷، ص. ۵۲.

پیامکی دریافت کرد که وی را به همکاری با سازمانهای تروریستی متهم نمود. بعداً بازجویانش به او اطلاع دادند که مکالمات تلفنی وی را کنترل می کرده‌اند.<sup>۳۱</sup>

• در بهمن ماه ۱۳۷۹، فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان، از سؤالاتی که بازجویانش در حین بازجویی از وی می‌پرسیدند، متوجه شد که عوامل دولتی اعمال او را ماهها زیر نظر گرفته بودند.<sup>۳۲</sup>

۱۲- کشور عضو به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، بدون هیچ دلیلی افراد را زیر نظر می‌گرفت، که این حق برخورداری آنها را از حریم خصوصی‌شان نقض می‌نمود.

- هنگامی که تانیا احمدی کلیجی، فعال حقوق زنان، در شهریور ۱۳۸۸ مورد بازجویی قرار گرفت، او از سؤالات بازجویان نتیجه گرفت که آنها ایمیل‌ها و تماسهای تلفنی وی را کنترل می‌کرده‌اند.<sup>۳۳</sup>
- در آبان ۱۳۸۸ سایه اسکای [Saye Sky] یک زن همجنس‌گرای هنرمند موسیقی سبک هیپ-هاپ که منتقد دولت بود، متوجه شد که مأموران کشور عضو، ماهها مکالمات وی را استراق سمع می‌کرده‌اند.<sup>۳۴</sup>
- پس از آنکه آیدا سعادت، فعال حقوق زنان، در آبان ۱۳۸۸ تحت بازجویی قرار گرفت، بازجوها غالباً پنج یا شش بار در روز مزاحم او شده و با تلفن همراه او تماس می‌گرفتند و به اعضای خانواده او نیز تلفن کرده راجع به فعالیتهای وی از آنها می‌پرسیدند.<sup>۳۵</sup>

---

<sup>۳۱</sup> «شهادتنامه ثریا» [نام مستعار]، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۲۳ فوروردین ۱۳۸۹)، پاراگرافهای ۱۱-۱۳، ۲۵، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Soraya%20-%20EN.pdf>.

<sup>۳۲</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگراف ۲۲.

<sup>۳۳</sup> «شهادتنامه تانیا احمدی کلیجی»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۳۱ فوروردین ۱۳۸۹)، پاراگراف ۲۵، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Tania%20Ahmadi%20Kaliji%20-%20EN.pdf>.

<sup>۳۴</sup> «شهادتنامه سایه اسکای» [نام مستعار]، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۱۱ تیبیب ۱۳۸۹)، پاراگرافهای ۳۹، ۴۱، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Saya%20Sky-%20English.pdf>.

<sup>۳۵</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۷.

## تفتیش‌ها و دستگیریهای خودسرانه

۱۳- کمیته اظهار داشته است که «تفتیش منزل شخص باید محدود به جستجو برای شواهد ضروری گردد و نباید به حد ایجاد مزاحمت برای افراد برسد.»<sup>۳۶</sup> هنگامی که مأموران کشور عضو، به امید پیدا کردن چیزی که بتواند شخص متهم را محکوم نماید، منزل وی را مورد تفتیش‌های خودسرانه و گسترده قرار می‌دهند، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض کرده‌اند.

- در تیر ماه ۱۳۷۸، مأموران وزارت اطلاعات بدون داشتن حکم دادستانی، با خشونت به تفتیش محل اقامت فعال دانشجویی، کوروش صحتی پرداختند.<sup>۳۷</sup>
- در بهمن ۱۳۷۹ مأموران لباس شخصی تقریباً به مدت هشت ساعت خشونت‌وار به تفتیش منزل فعال حقوق زنان، فریبا داوودی مهاجر پرداخته و برخی از اموال وی که ربطی به هیچیک از اتهامات وی نداشت را با خود بردند.<sup>۳۸</sup>
- مأموران کشور عضو، محسن سازگارا را به دلیل فعالیتهای سیاسی‌اش در خرداد ۱۳۸۲ برای بار چهارم دستگیر نمودند. مأموران منزل وی را به مدت هفت ساعت بازرسی کردند، و در میان لوازم و وسائل شخصی‌اش از جمله آلبوم عکسهای خانوادگی وی، علیرغم اعتراضات همسرش جهت وجود خانمهای بی‌حجاب در عکسها، به جستجو پرداختند. آنها هرگز نوشته‌های وی در باره تاریخ علم که سالها صرف تهیه آن شده بود، را به او بازنگرداندند.<sup>۳۹</sup>
- در شهریور ۱۳۸۳، مأموران نیروی انتظامی با در دست داشتن تکه کاغذ تا شده‌ای که دارای سربرگ یا مهر و متن دستنویسی که ادعا می‌شد حکم دادستانی است به منزل روزبه میرابراهیمی رفتند. مأموران گرچه نتوانستند اظهار کنند که میرابراهیمی چه عمل غیر قانونی‌ای انجام داده، اما با این وجود، منزل وی را تماماً مورد بازرسی قرار دادند.<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۶</sup> تفسیر عمومی شماره ۱۶، ماده ۱۷: حق حفظ حریم خصوصی، رک. زیرنویس ۲۸، پاراگراف ۸.

<sup>۳۷</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۲۴؛ همچنین نگاه کنید به «شهادتنامه کوروش صحتی» توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۸ دی ۱۳۸۷)، پاراگرافهای ۸،۹، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/KSWS.pdf>

<sup>۳۸</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگراف ۱۴.

<sup>۳۹</sup> «شهادتنامه محسن سازگارا»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۲۰ آبان ۱۳۸۷)، پاراگرافها ۳۱-۳۰، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/MSWS.pdf>

<sup>۴۰</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «اعتراف اجباری: هدف قرار دادن فعالان اینترنتی ایران» (شهریور ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Forced%20Confessions%20-%20Targeting%20Iran's%20Cyber-Journalists.pdf>

- در خرداد ۱۳۸۴، پس از آنکه کیانوش سنجرى از ورود مردى كه خود را به شكل پستچى درآورده بود، به منزلش ممانعت كرد، چند تن از عوامل كشور عضو، درب منزل او را شكسته و منزلش را مورد تفتيش قرار دادند.<sup>۴۱</sup>
- در روز ۱ دى ۱۳۸۷ مقامات ايرانى به دفاتر كانون مدافعان حقوق بشر كه توسط شيرين عبادى، وكيل با سابقه، فعال و برنده جايزه نوبل سال ۱۳۸۲، تاسيس شده بود، يورش بردند.
- در آبان ۱۳۸۸، مأموران كشور عضو، دارائى‌هاى شخصى عبادى را مصادره و حسابهاى بانكى وى و همسرش را مسدود نمودند. در آذر ماه ۱۳۸۸، مأمورانى كه خود را بازرسان مالياتى معرفى نمودند، عليرغم اعتراضات عبادى، اسناد و رايانه‌هاى دفتر و كالت وى در تهران را با خود بردند. اين لوازم و اوراق مربوطه حاوى اطلاعاتى بودند كه بايد بين وكيل و موكل محفوظ مى‌ماندند.<sup>۴۲</sup>
- پس از آنكه نفيسه آزاد در روز ۱۱ بهمن ۱۳۸۷ دستگير شد، پليس به بازرسى منزل وى پرداخت. اگر چه حكم تفتيش صراحتاً اظهار مى‌داشت كه آنها تنها مى‌توانند دارائى متعلق به خانم آزاد يا مربوط به يك ميليون امضاء براى اصلاح قوانين تبعيض آميز عليه زنان (كه از اين به بعد «كمپين يك ميليون امضاء» ناميده خواهد شد) را تفتيش و مصادره نمايند، با اين حال پليس دارائى‌هاى دو تن از هم‌خانه‌اى‌هاى خانم آزاد، كه فعال حقوق زنان نيز بودند، را هم توقيف نمود، و اسناد، يادداشتها، سى‌دى‌ها، كتاب شعر و سررسيدنامه آيدا سعادت، و رايانه دستى الناز انصارى را با خود برد.<sup>۴۳</sup>
- در طى يورشهاى پس از انتخابات به خوابگاههاى دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۸، نيروهاى امنيتى به خوابگاهها گاز اشك‌آور پرتاب كردند، دانشجويان را مجبور ساختند روى زمين دراز بكشند، و بعضى از دانشجويان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.<sup>۴۴</sup>
- در شب ۲۴ خرداد ۱۳۸۸، مقامات، وسايل شخصى موجود در منزل كيوان صميمى بهبهانى، سردبير ماهنامه «نامه» و عضو كميته مركزى انجمن دفاع از آزادى مطبوعات را مصادره نمودند.<sup>۴۵</sup>
- بر اساس گزارشها، در آذر ۱۳۸۸، مقامات به منزل پروين فهيمى، عضو گروه مادران عزادار يورش بردند.<sup>۴۶</sup>

<sup>۴۱</sup> مركز اسناد حقوق بشر ايران، «Ctrl+Alt+Delete». پاسخ ايران به اينترنت»، (اردبهبشت ۱۳۸۸)، ص. ۵۴، قابل دسترسى در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Forced%20Confessions%20-%20Targeting%20Iran's%20Cyber-Journalists.pdf>.

<sup>۴۲</sup> «خاموش كردن جنبش زنان در ايران»، رك. زيرنويس ۵، صص. ۱۳-۱۴، ۲۰.

<sup>۴۳</sup> همان، صص. ۱۵-۱۴.

<sup>۴۴</sup> «پيامد خشونت بار»، رك. زيرنويس ۱۴، ص. ۱۴.

<sup>۴۵</sup> همان، ص. ۶۳.

<sup>۴۶</sup> همان، ص. ۵۹.

• عوامل اطلاعات در روز ۱۹ بهمن ۱۳۸۸، مریم غنبری، وکیلی که برای دفاع از فعالان حقوق زنان معروف بود را در منزلش در تهران دستگیر کردند. آنها هیچ حکم تفتیشی ارائه نداده و توضیح ندادند چرا منزل وی را بازرسی می‌کنند، اما رایانه وی را با خود بردند.<sup>۴۷</sup>

۱۴- کارکنان زندانها و بازداشتگاههای ایران غالباً به منظور وادار ساختن فعالان به همکاری با آنها، به تهدید، بازداشت، و آزار و اذیت اعضاء خانواده فعالان پرداخته و حقوق آنها را برای برخورداری از حریم خصوصی خانواده بر طبق ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نقض می‌کنند.

• در تیر ماه ۱۳۷۸، مقامات برادر کوروش صحتی، فعال دانشجویی را دستگیر کردند زیرا هنگامی که آنها به منزل ایشان یورش بردند، کوروش در منزل نبود.<sup>۴۸</sup>

• در بهمن ۱۳۷۹ بازجویان فریبا داوودی مهاجر، وی را تهدید کردند اگر پاسخهای مورد نظر آنها را ندهد، پسر وی را دستگیر و شوهرش را نیز شکنجه خواهند کرد.<sup>۴۹</sup>

• در شهریور ۱۳۸۳، بازجویان شهرام رفیع‌زاده، روزنامه‌نگار، تهدید نمودند که پدرش را در مقابل وی شکنجه خواهند کرد و در یک حادثه رانندگی ساختگی اعضاء خانواده‌اش را خواهند کشت. آنها همچنین تلویحاً می‌گفتند که به همسر وی تجاوز خواهند کرد. در طی یکی از مراحل بازجویی، دادستان سعید مرتضوی نیز به بازجویان رفیع‌زاده پیوسته و خانواده وی را تهدید نمود.<sup>۵۰</sup>

• در سال ۱۳۸۸ عوامل کشور عضو، خواهر و همسر شیرین عبادی را دستگیر نمودند. تلویزیون دولتی ایران ویدئویی از همسر عبادی در زندان پخش کرد که در باره همسرش نظرات تحقیرآمیزی می‌داد. وی بعداً اعلام نمود که این نظرات را تحت فشار ابراز داشته است.<sup>۵۱</sup>

• در تیر ماه ۱۳۸۸ هنگامی که مقامات متوجه شدند مسعود باستانی، روزنامه‌نگار، در منزل نیست، همسر باردار وی را به همراه دو تن از مهمانانش دستگیر نمودند. علیرغم تلاشهای باستانی برای تسلیم خود در برابر آزادی همسرش، مقامات همسر وی را بیش از دو ماه در زندان نگاه داشتند.<sup>۵۲</sup>

<sup>۴۷</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۹.

<sup>۴۸</sup> «شهادتنامه کوروش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف ۹.

<sup>۴۹</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگراف ۲۱.

<sup>۵۰</sup> «شهادتنامه شهرام رفیع‌زاده»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۸ اسفند ۱۳۸۷)، پاراگراف ۴۸، ۳۳، قاب دسترس در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/SRWS.pdf>

<sup>۵۱</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۰.

<sup>۵۲</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۷۱.

- در مرداد ۱۳۸۸، مقامات برادر فعال اجتماعی و سیاسی، علی کانتوری را دستگیر نموده و وی را به عنوان گروگان نگاه داشتند تا اطمینان یابند کانتوری یک هفته بعد برای محاکمه خود، حضور خواهد یافت. برادر کانتوری ورزشکاری است که هیچگونه فعالیت مدنی یا سیاسی ندارد.<sup>۵۳</sup>
- پس از آنکه «ثریا» که به مسیحیت گرویده بود در اواخر ۱۳۸۸ از ایران گریخت، مقامات، شوهر وی را دستگیر و او را بدون هیچگونه اتهام قانونی، به عنوان گروگان نگاه داشتند. مقامات به شوهر وی اطلاع دادند که وی را در صورتی آزاد خواهند ساخت که ثریا به ایران باز گردد.<sup>۵۴</sup>
- در روز ۲ مرداد ۱۳۸۹، کشور عضو به دفاتر محمد مصطفایی، وکیل مدافع سکینه محمدی که دادگاه وی را به سنگسار محکوم ساخته بود، حمله کردند. مقامات با نیافتن مصطفایی، به جای وی، همسر و برادر همسر وی را دستگیر کردند. آنها تهدید نمودند که تنها پس از بازداشت مصطفایی، اعضاء خانواده وی آزاد خواهند شد.<sup>۵۵</sup>

### آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (ماده ۱۸)

#### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۱۵- کمیته در ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ خود در باره محدودیت آزادی اندیشه در ایران، ابراز نگرانی کرد. کمیته همچنین در مورد شعارهای کشور عضو علیه بهائیان ابراز نگرانی کرد.<sup>۵۶</sup> گزارش سال ۱۳۸۸ ایران به کمیته، اصل ۲۳ قانون اساسی را عنوان می‌کرد که تفتیش عقاید افراد و تعرض به آنان بر پایه داشتن این عقاید را ممنوع می‌کرد. این گزارش تصریح می‌کرد که اصل ۲۳ حق «تبلیغ» عقاید، یا حق اجرای

<sup>۵۳</sup> «شهادتنامه علی کانتوری»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹)، پاراگراف ۲۳، ۴۴، قابل دسترسی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Ali%20kantouri-final%20June%202025.pdf>

<sup>۵۴</sup> «شهادتنامه ثریا»، رک. زیرنویس ۳۱، پاراگرافهای ۴۹-۵۰.

<sup>۵۵</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۲۹-۳۰، ۳۸، ۴۵.

<sup>۵۶</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف ۱۵. کمیته اظهار داشت «در ارتباط با تخریب زیارتگاهها یا گورستانها، و آزار و اذیت سازمان یافته، تعرض و تبعیض علیه بهائیان هیچ پاسخ قانع کننده‌ای دریافت نکرده است، که این به وضوح با مقررات مذکور در میثاق در تناقض است.» همان، پاراگراف ۱۶.



مناسک مذهبی به طور آشکار و عمومی را اعطا نمی‌کند. علاوه بر آن، فرصتهای خاصی مانند داشتن شغل قضاوت، برای غیر مسلمانان قدغن گردیده است.<sup>۵۷</sup>

## سرکوب بهاییان

۱۶- قانون اساسی ایران دیانت بهایی را به عنوان مذهب رسمی حمایت شده، به رسمیت نمی‌شناسد. بلکه ایران بهاییان را به عنوان دشمنان کشور به حساب آورده و آنها را به همکاری با گروهها و سازمانهای خارجی که در تلاش برای سرنگونی دولت هستند، متهم می‌نماید. ایران بهاییان را در برابر قانون، با دیگران مساوی نمی‌داند، ازدواج بهاییان را به رسمیت نمی‌شناسد، آنها را از فرصت‌های تحصیلی و شغلی محروم می‌سازد، و آنان را از اجرای مناسک مذهبی‌شان منع می‌نماید.<sup>۵۸</sup>

۱۷- در دی و بهمن ۱۳۸۷ مقامات، سه عضو محفل محلی بهاییان سمنان و هشت زن را به اتهام توزیع نوشتجات بهایی به منظور گرویدن افراد مسلمان به دین بهایی دستگیر نمودند. در بهمن ماه ۱۳۸۷ مقامات حداقل به ده منزل بهاییان در تهران حمله برده و به توقیف اموال شخصی و دستگیری شش بهایی و یک مسیحی پرداختند. اتهامات بی پایه و اساس مقامات علیه دستگیر شدگان شامل «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» بود. در بهمن ماه ۱۳۸۷ در شهر مشهد عوامل کشور عضو به حداقل ده منزل بهاییان یورش برده و دو بهایی را دستگیر نمودند.<sup>۵۹</sup>

۱۸- در مرداد ۱۳۸۹ هفت تن از رهبران بهایی که از سال ۱۳۸۷ در بازداشت به سر برده‌اند، به اتهام جاسوسی و به خطر انداختن امنیت ملی به بیست سال زندان محکوم شدند.<sup>۶۰</sup>

<sup>۵۷</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۱.

<sup>۵۸</sup> «دیانتی ممنوع»، رک. زیرنویس ۲۷، صص. ۲۰، ۲۲-۲۳، ۴۴-۴۶.

<sup>۵۹</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «اطلاعه مطبوعاتی: مرکز اسناد حقوق بشر ایران آزار و اذیت مداوم بهاییان ایران را محکوم می‌نماید» (۱۴ بهمن ۱۳۸۷)، قابل دسترسی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/PressReleases/2009/Press-02-02-2009.pdf>

<sup>۶۰</sup> سازمان عفو بین‌الملل، «مجازات‌های صادره علیه رهبران زندانی اقلیت مذهبی ایرانی محکوم می‌شود» (۱۹ مرداد ۱۳۸۹)، قابل دسترسی در

<http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/heavy-sentences-against-jailed-iranian-baha'i-religious-minority-leaders-condemned->

## تبعیض و آزار و اذیت مسیحی شدگان

۱۹- کشور عضو با آزار و اذیت افرادی که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند، مستقیماً به نقض ماده ۱۸(۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازد که «اجبار و اکراه ... برای مجبور ساختن افراد معتقد و یا غیر معتقد ... به انکار یک مذهب یا اعتقاد و یا روی آوردن به آن را ممنوع می‌نماید»<sup>۶۱</sup> اگرچه اصل ۱۳ قانون اساسی ایران مسیحیت را به عنوان یک اقلیت مذهبی تحت حمایت قانون، به رسمیت می‌شناسد، کشور عضو، عموماً افرادی را که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند را به ارتداد محکوم می‌نماید.<sup>۶۲</sup>

۲۰- قانون مجازات اسلامی کشور عضو در باره جرم ارتداد و مجازات آن سخنی نگفته است اما گرویدن از اسلام به دین دیگر بر طبق قانون شرع می‌تواند مجازات مرگ به همراه داشته باشد.<sup>۶۳</sup>

۲۱- اصل ۶۴ قانون اساسی مسیحیان فارسی زبان را از داشتن نماینده در مجلس محروم می‌نماید، و فقط چنین امکانی را برای مسیحیان ارمنی، کلدانی و آشوری مجاز می‌دارد.<sup>۶۴</sup>

۲۲- مراد مختاری در اواخر دهه ۱۳۶۰ به مسیحیت گروید و مکرراً برای پاسخگویی به پرسشهایی در باره اعتقادات مذهبی‌اش و اعضاء کلیسایش احضار گردید. عاقبت، مقامات مختاری را در زندان دستگرد محبوس نموده و وی را متهم به «تبلیغ غیر قانونی مسیحیت» کردند اگرچه که تنها «جرم» وی کار کردن به عنوان حسابدار کلیسا بود.<sup>۶۵</sup>

۲۳- هنگامی که مسئولان یک مدرسه دریافتند یکی از دانش‌آموزان پسر از اسلام به مسیحیت گرویده، موقتاً او را اخراج نمودند. این مدرسه تنها به شرطی اجازه بازگشت به این دانش‌آموز را داد که در درس تعلیمات دینی نمره عالی دریافت کند. این دانش‌آموز و مادرش برای اجتناب از تبعیض و آزار و اذیت بیشتر، در سال ۱۳۸۸ از ایران گریختند.<sup>۶۶</sup>

<sup>۶۱</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۲۲، ماده ۱۸ (آزادی اندیشه، وجدان، و مذهب)، پاراگراف ۵، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.9، قابل دسترسی در <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/comments.htm>

<sup>۶۲</sup> نگاه کنید به «دیانتی ممنوع»، رک. زیرنویس ۲۷، ص. ۴؛ مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «فتوای مرگبار: قتل عام زندانیان ۱۳۶۷ ایران»، ص. ۱۷، شماره ۱۴۶ (شهریور ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Deadly%20Fatwa%20-%20Iran's%201988%20Prison%20Massacre.pdf>

<sup>۶۳</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۶.

<sup>۶۴</sup> «فتوای مرگبار»، رک. زیرنویس ۶۲، ص. ۱۷.

<sup>۶۵</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «شهادتنامه مراد مختاری» (۱۲ آذر ۱۳۸۸)، قابل دسترسی به صورت ویدئویی، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/witnesstestimony.htm>

<sup>۶۶</sup> «شهادتنامه ثریا»، رک. زیرنویس ۳۱، پاراگراف ۱۶.

## هدف قرار دادن مخالفان سیاسی

۲۴- کشور عضو به تعرض، سرکوب، ربودن و کشتن افرادی که عقاید سیاسی مخالف با موضع رسمی کشور عضو ابراز می‌کنند و یا به چالش با دولت برمی‌خیزند، ادامه می‌دهد. بازداشت شدگان مرتباً گزارش می‌کنند که بازجوها سؤالات خود را بر روی تفتیش عقاید سیاسی آنان متمرکز می‌سازند.<sup>۶۷</sup>

- در اواخر سال ۱۳۷۹، سؤالات بازجویان علی‌افشاری، بر روی عقاید وی در باره اصلاح‌طلبان و دیدگاه‌های دوستان دانشجوی وی در باره وقایع جاری تمرکز داشت.<sup>۶۸</sup>
- به دنبال دستگیری فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان، در بهمن ۱۳۷۹، بازجوها از وی سؤالاتی می‌پرسیدند که آیا وی دنباله‌رو روحانی اصلاح‌طلب، آیت‌الله منتظری است یا خیر و آیا به ولایت فقیه معتقد است یا نه.<sup>۶۹</sup>
- بازجوها از شادی صدر، وکیل، از چگونگی رأی وی در انتخابات ۱۳۸۸ پرسیدند و اینکه او در باره نتایج آن چه فکر می‌کند.<sup>۷۰</sup>

## آزادی بیان (ماده ۱۹)

### گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۲۵- اصل ۹ قانون اساسی ایران تصریح می‌کند «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، ... سلب کند.» کشور عضو اظهار می‌دارد که قانون اساسی برای ابراز عقایدی

---

<sup>۶۷</sup> «شهادتنامه امیراطیابی»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۲۳ خرداد ۱۳۸۸)، پراگراف ۲۳، قابل دسترس در

<http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Atiabi%20English%20-%20Final.pdf>

<sup>۶۸</sup> «شهادتنامه علی‌افشاری»، توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۸ آبان ۱۳۸۷)، پراگراف ۴۹، قابل دسترس در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/AAWS.pdf>

<sup>۶۹</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پراگراف ۱۸.

<sup>۷۰</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۴.

که مخالف با اصول اسلامی است، و با منافع عموم مغایرت دارد، یا حقوق دیگران را نادیده می‌گیرد، محدودیت‌هایی قائل شده است.<sup>۷۱</sup>

۲۶- کشور عضو، آزادی بیان را از طرق ذیل، شدیداً محدود می‌سازد: (۱) قوانینی که آزادی مطبوعات را محدود می‌سازد؛ (۲) سرکوب خشونت‌بار تظاهرات سیاسی آرام؛ (۳) تهدید، دستگیری، شکنجه، بازداشت و اعدام افراد به دلیل داشتن اعتقادات سیاسی و ابراز آنها؛ و (۴) محدود کردن دسترسی به اینترنت، محروم کردن شهروندان از داشتن آزادی برای جستجو و یا اشاعه اطلاعات و عقاید. ایران با تلاش برای پیشگیری از انتشار اطلاعات و پیگرد کیفری افراد برای پخش اینگونه اطلاعات، هم قوانین خود را نقض می‌کند و هم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را. در حالیکه ماده ۱۹ (۳) به کشورها اجازه می‌دهد آزادی بیان را به دلایل خاصی محدود نمایند، اینگونه محدودیتها «نباید نفس این حقوق را به مخاطره اندازد.»<sup>۷۲</sup>

#### قانون مطبوعات و دیگر قوانینی که آزادی مطبوعات را محدود می‌سازد

۲۷- ماده ۱۹ به همراه ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق افراد را برای «داشتن دسترسی گسترده به اطلاعات» که به آنها اجازه دهد در میدانی سیاسی و اجتماعی جامعه مشارکت داشته باشند، تأیید می‌کند.<sup>۷۳</sup>

۲۸- کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود اظهار می‌دارد که قانون مطبوعات که در سال ۱۳۶۵ به تصویب رسیده و در سال ۱۳۷۹ اصلاح گردیده، به مطبوعات اجازه می‌دهد «در حالیکه تعالیم اسلامی و منافع جامعه را به گونه‌ای معقول مد نظر دارند، عقاید، انتقادات سازنده، پیشنهادات و توضیحات افراد و مقامات رسمی دولت را برای اطلاع عموم منتشر نمایند.»<sup>۷۴</sup>

<sup>۷۱</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۴۶۴، ۴۷۵.

<sup>۷۲</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد [U.N. Human Rights Comm]، «تفسیر عمومی شماره ۱۰: آزادی بیان» (ماده ۱۹)، پاراگراف ۴، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.1، ص. ۱۱ (۱۳۷۳)، قابل دسترسی در <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/comments.htm>.

<sup>۷۳</sup> «رابرت دبلیو. گوتیر علیه کانادا» [Robert W. Gauthier v. Canada]، پاراگراف ۱۳،۴، پیام شماره ۶۳۳/۱۹۹۵، سند سازمان ملل متحد CCPR/C/65/D/633/1995 (۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۷).

<sup>۷۴</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۴۷۷.

۲۹- مطبوعات باید اهداف ایران را اعمال نموده و با اهداف یا اصول دولت مغایر نباشند.<sup>۷۵</sup> افراد مجاز نیستند مقالاتی را منتشر نمایند که «برای موازین اسلامی مضر باشد، یا به ترویج موضعی بپردازد که به مبانی جمهوری اسلامی آسیب رساند» بطوریکه «افراد و گروه‌ها را به اقدام علیه امنیت، شرافت، و منافع ایران ترغیب و تحریک نماید»؛ «به رهبر جمهوری اسلامی ایران و مقامات مذهبی سرشناس توهین نماید» و یا اینکه «علیه قانون اساسی باشند». این محدودیتهای گسترده با نقض مواد ۱۹ و ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، عملاً مانع از آزادی بیانی می‌گردد که مربوط به اکثر فلسفه‌های سیاسی، بخشهای عظیمی از قوانین ایران و بسیاری از رهبران سیاسی می‌شود.<sup>۷۶</sup>

۳۰- افراد باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جواز نشر دریافت نمایند. آنها همچنین باید حداقل ۲۵ سال سن داشته و دارای ثبات مالی باشند، «فساد اخلاق نداشته باشند»، دارای مدرک لیسانس باشند، پشتیبان قانون اساسی باشند، و در میان مردم به طرفداری از رژیم گذشته سخن نگفته باشند.<sup>۷۷</sup>

۳۱- ارائه مجوز به ویژه در باره وبلاگ نویسان با سخت‌گیری بیشتری همراه است. کمیته در باره محدودیتهای ارائه مجوز در ارتباط با پخش جزوات که این نیز مانند وبلاگ نویسی، طریقه‌ای برای بیان نظرات سیاسی می‌باشد تصمیم‌گیری کرد. کمیته متذکر شد لزوم دریافت مجوز از دولت برای افرادی که در میدانهای عمومی به پخش جزوه می‌پردازند، ماده ۱۹(۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض می‌کند زیرا مانعی غیرضروری ایجاد می‌نماید که شدیداً آزادی بیان و نیز حق دیگران برای دریافت اطلاعات را محدود می‌سازد.<sup>۷۸</sup>

۳۲- قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ نیز به طور نامعقول آزادی بیان ایرانیان را محدود می‌سازد.<sup>۷۹</sup> مقامات از این قانون برای منع انتشارات برای مدت زمانهای نامعلوم تحت عنوان پیشگیری از وقوع مجدد «جرائم جدی» که تعریف آن نیز مبهم است استفاده می‌کنند.<sup>۸۰</sup>

---

<sup>۷۵</sup> «ارعاب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، صص. ۱۳-۱۲. این اهداف عبارتند از: (۱) «روشن کردن افکار عمومی و ارتقاء سطح دانش آنها در یک یا چند موردی که در ماده ۱ ذکر گردید»؛ (۲) «پیشبرد اهداف مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»؛ (۳) «تلاش در جهت خنثی سازی وقفه‌های ناشی از خطوط کذب و نفاق، یا رو در رو قرار دادن گروههای مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند تقسیم مردم به دلیل نژاد، زبان، رسوم و سنن محلی و غیره.»؛ (۴) «قیام علیه مظاهر فرهنگ امپریالیستی (مانند اسراف، بی بند و باری، عشق به تجملات، اشاعه فساد اخلاق، و غیره.) و پیشبرد و ارتقاء فرهنگ راستین اسلامی و اصول محکم اخلاقی»؛ و (۵) «حفظ و تقویت سیاست «نه شرقی، نه غربی.»»

<sup>۷۶</sup> همان، صص. ۱۳-۱۴.

<sup>۷۷</sup> همان، ص. ۱۳.

<sup>۷۸</sup> همان، ص. ۱۵.

<sup>۷۹</sup> همان، ص. ۱۶. ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی تصریح می‌کند «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی آنان را در رمضان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد. از اینکه قانوناً مسئول

۳۳- ارگان‌های دولتی نیز همه به طور یک جانبه قوانینی را اعلام می‌نمایند که آزادی بیان را حتی بیشتر محدود می‌سازد. برای مثال، در بهمن ماه ۱۳۸۱ شورای عالی امنیت ملی فرمان داد که اصحاب رسانه اجازه نخواهند داشت با تعدادی از رسانه‌های خارجی از جمله رادیو فردا صحبت کنند.<sup>۸۱</sup>

## هدف قرار دادن روزنامه نگاران و وبلاگ نویس‌ها

۳۴- کشور عضو از طریق اعمال تهدیدها، دستگیریه‌ها، و محبوس ساختن روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان، آزادی بیان را مختل می‌سازد:

- امید معماریان، برنده جایزه قلم طلایی سال ۱۳۸۰، در سال ۱۳۸۱ شروع به وبلاگ نویسی کرد. مقامات بدون داشتن حکم جلب، و در پی یورش به منزل او و توقیف نوشتجات و رایانه‌اش، وی را دستگیر نمودند.<sup>۸۲</sup>
- سینا مطلبی، که در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۸۲ دستگیر گردید، یکی از نخستین افرادی در جهان به شمار می‌رود که به دلیل محتویات وبلاگش دستگیر شده است. عوامل کشور عضو به مدت پنج ماه پیش از دستگیری مطلبی، وی را مکرراً احضار می‌نمودند. در باره گزارش کردن جلسات ملاقات بر روی وبلاگش، به وی اخطار داده شد.<sup>۸۳</sup>
- زهرا کاظمی، روزنامه نگار ایرانی-کانادایی، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه عکسبرداری گرفت، اما با وجود این در روز ۲ تیر ۱۳۸۲ ظاهراً به اتهام عکس گرفتن از زندان اوین، دستگیر گردید. کاظمی مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفت، و بر اساس گزارشها در زندان به وی تجاوز شد. وی حدود دو هفته پس از دستگیری‌اش درگذشت.<sup>۸۴</sup>
- مجتبی لطفی، روزنامه نگار، در اردیبهشت ۱۳۸۳ پس از گذاشتن مقاله‌ای بر روی اینترنت با عنوان «احترام به حقوق بشر در امور مربوط به روحانیون»، دستگیر و به نشر اکاذیب متهم شد. وی به سه

---

باشد یا غیر مسئول. صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.» قانون اقدامات تأمینی، ۱۳۳۹، ماده ۱.

<sup>۸۰</sup> همان.

<sup>۸۱</sup> همان، ص. ۱۷. همچنین نگاه کنید به «مصاحبه با روزبه میرابراهیمی» در «اعتراف اجباری»، رک. زیرنویس ۴۰.

<sup>۸۲</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۲.

<sup>۸۳</sup> همان، صص. ۱، ۲۶.

<sup>۸۴</sup> نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «مصونیت از مجازات در ایران: مرگ خبرنگار عکاس، زهرا کاظمی»، صص. ۳، ۶،

۳۹ (شهریور ۱۳۸۵)، قابل دسترسی در [http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Impunity-in-](http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Impunity-in-Iran_Nov06.pdf)

[Iran\\_Nov06.pdf](http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Impunity-in-Iran_Nov06.pdf).

سال و ده ماه حبس محکوم گردید. وی زودتر از موعد آزاد شد اما دوباره در مهر ماه ۱۳۸۷ به دلیل حمایت از آیت‌الله منتظری بر روی اینترنت، بازداشت گردید.<sup>۸۵</sup>

- در روز ۷ شهریور ۱۳۸۳، آرش سیگارچی، روزنامه نگار و سردبیر گیلان امروز، پس از انتشار مقاله‌ای در وبلاگ خود که در آن در باره قتل عام سال ۱۳۶۷ در زندانهای ایران سخن گفته بود، توسط عوامل امنیتی در استان شمالی ایران احضار و بازداشت گردید، و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.<sup>۸۶</sup>
- کیانوش سنجری به دفعات دستگیر و بازداشت گردید - آخرین مورد آن ۲ تیر ۱۳۸۴ به دلیل شرکت در تظاهرات بود. اگرچه وی به طور رسمی به تهدید علیه امنیت ملی متهم شده بود، اما بازجویانش به وی گفتند که در حقیقت وی را به دلیل وبلاگش دستگیر کرده‌اند.<sup>۸۷</sup>
- آسیه امینی، روزنامه نگار پر طرفدار، شاعر، و فعال حقوق زنان در اسفند ۱۳۸۵ دستگیر شد. وی یکی از اعضای اصلی «کنشگران» که سازمانی غیر دولتی و پشتیبان جامعه مدنی ایران است بود.<sup>۸۸</sup>

۳۵- کشور عضو، بسیاری از روزنامه نگاران، وبلاگ نویسها و ناظران حقوق بشر را پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ دستگیر نمود:

- شیوا نظر آهاری، فعال حقوق زنان (که در ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر گردید، در ۱ مهر ۱۳۸۸ آزاد شد و در ۲۹ آذر ۱۳۸۸ مجدداً دستگیر شد) و همکارانش در کمیته گزارشگران حقوق بشر، به دلیل امتناع از بستن وبسایت این کمیته، مورد اذیت و آزار شدید بازجویانشان قرار گرفتند. در مهر ماه ۱۳۸۹، وی به جرم «محاربه» به شش سال حبس محکوم گردید.<sup>۸۹</sup>
- حسین درخشان، مؤسس یکی از نخستین وبلاگها به زبان فارسی، در روز ۶ مهر ۱۳۸۹ به دلیل تخلفات سیاسی از جمله «تبلیغ علیه نظام اسلامی» و «راه اندازی و اداره وبسایتهای زننده و مستهجن» به نوزده و نیم سال زندان محکوم گردید.<sup>۹۰</sup>

<sup>۸۵</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۷.

<sup>۸۶</sup> به طور کلی نگاه کنید به «فتوای مرگبار»، رک. زیرنویس ۶۲.

<sup>۸۷</sup> همان، ص. ۳۷.

<sup>۸۸</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۲۵-۲۶.

<sup>۸۹</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، اطلاعیه مطبوعاتی: مرکز اسناد حقوق بشر ایران محکومیت‌های شیوا نظر آهاری و حسین درخشان را محکوم می‌کند (۶ مهر ۱۳۸۹)، قابل دسترسی در

<http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/PressReleases/2010/Press%20Release%20on%20Heavy%20Sentences%20of%20Activists%20Sept%2028%202010.pdf>

<sup>۹۰</sup> همان.

- بازجوها به شادی صدر، وکیل، گفتند حتی اگر قرار بود وی برای روزنامه‌های تندرو تحت حمایت دولت مطلب بنویسد، باز هم صرفاً به خاطر شخصیتش، می‌تواند مورد تعرض و اذیت بیشتر قرار بگیرد.<sup>۹۱</sup>
- ژیلای بنی یعقوب، روزنامه‌نگار ایرانی و فعال حقوق زنان که دارای شهرت جهانی است، در آذر ماه ۱۳۸۸ دستگیر شد. بنی‌یعقوب در پی آزادی خود با قرار وثیقه، نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضاییه ایران نوشت و در آن از تأثیر دستگیری خود بر آزادی بیانش شکوه نمود:

اکنون در حدود ۷۰ روزنامه‌نگار در زندانهای جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند و بسیاری دیگر مانند من با قرار وثیقه آزاد شده‌اند و هیچگونه امنیتی ندارند. ما وحشت داریم که هرچه بنویسیم ممکن است به عنوان مدرکی برای «تبلیغ علیه نظام» یا «تبانی علیه امنیت ملی» محسوب شود. من و همکارانم سعی می‌کنیم تا حد امکان کم مطلب بنویسیم.<sup>۹۲</sup>

### جرم دانستن توهین

۳۶- در سال ۱۳۸۳ نماینده ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق آزادی عقیده و بیان به طور جدی از ایران خواست تا مجازات زندانی نمودن افراد به دلیل بیان صلح‌جویانه عقاید را متوقف سازد. اما به هر حال کشور عضو، مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیتها، و دیگر افرادی که مقامات رسمی مملکتی را به چالش می‌کشند، به جرائم جدی همچون به مخاطره انداختن امنیت ملی، توهین به چهره‌های مقدس اسلامی و رهبر ایران، تبلیغ علیه دولت، عضویت در گروههایی که هدفشان براندازی رژیم است، و جاسوسی برای دولتهای بیگانه محکوم می‌نماید. قانون مجازات اسلامی توهین به مقامات مملکتی را غیر قانونی می‌داند.<sup>۹۳</sup>

۳۷- جرم دانستن انتقاد از دولت و توهین به مقامات دولتی در کشور عضو بسیار فراتر از محدودیتهایی است که کمیته بر طبق ماده ۱۹(۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادی سخن گفتن قائل شده است. در مورد پرونده «کیم علیه جمهوری کره» کمیته مشاهده نمود که پخش مطالبی که در نقد دولت

<sup>۹۱</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۲.

<sup>۹۲</sup> همان، ص. ۲۵.

<sup>۹۳</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، صص. ۱۵-۱۶.



بود، تهدید امنیت ملی به شمار نمی‌رفت، حتی هنگامی که توزیع کننده این مطالب به تحریک و به راه‌اندازی خشونت محکوم گردید.<sup>۹۴</sup>

۳۸- حتی اگر توهین به مقامات مملکتی دارای اهمیت قانونی برای کشور باشد، دامنه محدودیت‌های بیان باید متناسب با ارزش این اهمیت باشد. در مورد پرونده «رافائل مارکوس دموریاس علیه آنگولا» کمیته توضیح داد که مجازات زندان برای توهین به نمادهای کشور، متناسب با گزندگی که ادعا می‌شود وارد شده، نیست زیرا در هر صورت شخصیت‌های دولتی در معرض انتقاد و مخالفت قرار دارند.<sup>۹۵</sup>

### محدودیت‌های اینترنتی

۳۹- در گزارشی در دی ماه ۱۳۸۰، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور آزادی عقیده و بیان نتیجه گرفت که فیلتر کردن آدرس‌های اینترنتی، کنترل بیش از حد دسترسی به اینترنت محسوب می‌شود. توجیه کشور عضو مبنی بر اینکه وبسایت‌های غیر اخلاقی مغایر با موازین اسلامی است، نمی‌تواند معیار ضرورت را که در ماده ۱۹(۳) قید شده، برآورده سازد.<sup>۹۶</sup>

۴۰- در اردیبهشت ۱۳۸۰، رهبر ایران دستور انتشار «خط مشی کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» را داد که تصریح می‌کرد فقط نهادهای مجاز حق فراهم کردن امکانات دسترسی به اینترنت را دارا می‌باشند. در پاسخ، شورای عالی انقلاب فرهنگی در آبان ۱۳۸۰ قطعنامه‌ای به نام «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» را تهیه نمود. این مقررات فرمان می‌داد که ارائه‌کنندگان خدمات دسترسی به اینترنت باید تحت کنترل دولت در آیند و شرکت‌های ارائه خدمات اینترنتی، وبسایت‌های ضد نظام و ضد اسلامی را از روی سامانه‌های خود بردارند. این قوانین از ارایه دهندگان خدمات اینترنتی می‌خواهد از تکنولوژی فیلتر کردن استفاده نمایند و استفاده مشتریان خود از اینترنت را زیر نظر داشته و مشخصات آنها را ثبت نمایند. افرادی که برای دریافت جواز ارائه خدمات اینترنتی، درخواست می‌کنند، نباید اعضاء گروه‌های ضد انقلاب یا غیر قانونی باشند، و باید شهروند ایران و، نسبت به قانون اساسی متعهد بوده، و عضو یکی از ادیان رسمی کشور باشند.<sup>۹۷</sup>

<sup>۹۴</sup> همان.

<sup>۹۵</sup> همان، ص. ۱۶.

<sup>۹۶</sup> همان، ص. ۲۴.

<sup>۹۷</sup> همان، صص. ۹، ۱۷.

۴۱- در آذر ماه ۱۳۸۱، کشور عضو اقدام به تأسیس کمیته مسئول تشخیص وبسایتهای غیر مجاز نمود. این کمیته، هم مسئول تعیین معیارهای تشخیص وبسایتهای غیرقانونی است و هم اینگونه وبسایتهای را به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گزارش می‌نماید که متعاقباً این سایتها مسدود می‌شوند.<sup>۹۸</sup>

۴۲- در اسفند ماه ۱۳۸۱، مقامات دهها وبسایت را به دلیل محتوای سیاسی و یا به ظاهر مطالب مستهجن مسدود نمودند، که از آن جمله وبسایتهای رادیویی و تلویزیونی ایالات متحده آمریکا، و وبسایتهای تلویزیونی فارسی هستند. در اردیبهشت ۱۳۸۲ مقامات، ارائه دهندگان خدمات اینترنتی را تهدید نمودند که در صورت ناتوانی آنها برای فیلتر کردن ۱۵۰۰۰ سایت، اقدامات قانونی علیه آنها انجام خواهند داد. در آذر ماه، قسمتهای عمده‌ای از موتور جستجوگر گوگل غیر قابل دسترسی گردید.<sup>۹۹</sup>

۴۳- مسدود کردن رسانه‌های متداول و اینترنت، پیش از انتخابات بهمن ۱۳۸۲ مجلس افزایش یافت. قوه قضاییه دستور داد سایتهای خبری «امروز» و «رویداد» را که هر دو بیانگر دیدگاههای سیاسی اصلاح طلبان بودند، مسدود شوند. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات متوجه شد که برخی از سایتهای خارج از چارچوب قانونی مشخص شده مسدود می‌شوند.<sup>۱۰۰</sup>

۴۴- در عرض چند روز در سال ۱۳۸۳، مقامات اصغر وطنخواه، مسئول تبلیغات وبسایت امروز، و مسعود قریشی، مسئول فنی وبسایت امروز را دستگیر نمودند. مقامات منازل ایشان را تفتیش، و رایانه‌ها و فایل‌های آنها را توقیف نمودند.<sup>۱۰۱</sup>

۴۵- مقامات شش تن از کارکنان فنی «رویداد» را دستگیر کردند: فرید ثانی، آرش نادرپور، مانی جاویدی، کیاوش قدمعلی، مژگان قویدل، و مهدی درایتی. عوامل کشور عضو، این کارکنان فنی را مجبور کردند تا گذرواژه‌ها و دیگر داده‌های مهم را در اختیار آنها قرار دهند و سپس مقامات از این اطلاعات برای کنترل کردن و بستن وبسایتهای استفاده کردند.<sup>۱۰۲</sup>

۴۶- در اواخر ۱۳۸۳، ایران علناً اذعان نمود که از نرم افزارهای فیلتر کننده استفاده می‌کند. سازمان اپن نت [OpenNet Initiative] متوجه شد که این نرم افزار برای فیلتر کردن گسترده طراحی شده بود؛ این

---

<sup>۹۸</sup> همان، ص. ۲۰.

<sup>۹۹</sup> همان، ص. ۲۰.

<sup>۱۰۰</sup> همان، ص. ۲۱.

<sup>۱۰۱</sup> همان، صص. ۲۱، ۲۲.

<sup>۱۰۲</sup> همان، ص. ۲۲.

نرم افزار سایتهای آموزش جنسی، سایتهایی که در باره هویت و گرایشهای جنسی است، سایتهای حقوق زنان، سایتهای ترجمه، و سایت اخبار صدای آمریکا را مسدود می‌سازد.<sup>۱۰۳</sup>

۴۷- به دنبال انتخاب محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، مسئولین شرکت مخابرات ایران اعتراف کردند که قوه قضاییه هر ماه به آنها دستور می‌دهد حدود هزار صفحه اینترنتی را مسدود نمایند. اگرچه هدف قرار دادن وبسایتهای وظیفه کمیته مسئول تشخیص وبسایتهای غیر مجاز می‌باشد، اما گزارشها حاکی از آن است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر جرائم رایانه‌ای خود را تأسیس نموده است. در اردیبهشت ۱۳۸۵، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، تشکیل اداره‌ای را اعلام نمود که مسئولیت آن، فیلتر کردن محتوای غیر قانونی، و شناسایی و تحت نظر گرفتن «کاربران خطاکار» بود.<sup>۱۰۴</sup>

۴۸- در مهر ۱۳۸۵، مقامات تأیید کردند که ارائه دهندگان خدمات اینترنتی دیگر بیش از این برای کاربران خصوصی یا دولتی، سرعت دسترسی بالاتر از ۱۲۸ کیلوبایت در ثانیه را فراهم نخواهند کرد، که این در امر توانایی افراد برای دسترسی به اطلاعات و بیان عقایدشان، اختلال ایجاد می‌کرد.<sup>۱۰۵</sup>

۴۹- در سال ۱۳۸۵، کشور عضو، سرویس بی بی سی فارسی را مسدود نمود. در دی ۱۳۸۷ مقامات سایتهای خبری مانند دویچه وله، رادیوی بین‌المللی فرانسه، العربیه، وبسایت ادبی هفتان، و دو سایت حامی محمد باقر قالیباف، شهردار و رقیب سیاسی احمدی نژاد را هدف قرار دادند. در بهمن ۱۳۸۷ دو سایت طرفدار محمد خاتمی، کاندیدای کوتاه مدت ریاست جمهوری، مسدود شدند.<sup>۱۰۶</sup>

۵۰- در ماههای پیش از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، کشور عضو، در تلاشی آشکار برای محدود نمودن مباحثات و خاموش ساختن منتقدان، روزنامه‌ها را تعطیل، و دسترسی به سایتهای اینترنتی را بیش از پیش محدود ساخت.<sup>۱۰۷</sup>

۵۱- بلافاصله پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، مقامات کشور عضو ارتباطات الکترونیکی را در داخل ایران و نیز ارتباط با دنیای خارج را قطع کردند. در طی هفته بعد، تلفن‌های همراه و خدمات اینترنتی مرتباً قطع شده و کم سرعت می‌شد. در روز ۲۶ خرداد مقامات اعلام کردند که روزنامه نگاران خارجی اجازه ندارند

---

۱۰۳ همان.

۱۰۴ همان.

۱۰۵ همان، ص. ۲۳.

۱۰۶ همان.

۱۰۷ «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۷.

از خیابانها گزارش تهیه کنند و ویزای آنها تجدید نخواهد شد. مقامات صدها تن از اصحاب رسانه ایرانی را دستگیر کرده و به هراس انداختند.<sup>۱۰۸</sup>

۵۲- در مرداد ۱۳۸۸ در طی نخستین دادگاه نمایشی گروهی، پس از اعتراضات خیابانی مربوط به انتخابات، کشور عضو، چندین نفر را متهم به ارسال مقالات و مصاحبه‌ها بر روی اینترنت کرد که به ادعای آنها «ایجاد اضطراب در اذهان عمومی نمودند» یا شامل «ارتباط با رسانه‌ها و کانالهای خارجی و پخش اطلاعات و تصاویری که سبب تحریک بیشتر اغتشاشگران است» می‌شد.<sup>۱۰۹</sup> کیفرخواست، جرایم زیر را عنوان می‌کرد:

- گفته می‌شد محمد رسولی پس از انتخابات در چندین تظاهرات شرکت نموده و ویدیو تهیه کرده و آنها را بر روی اینترنت فرستاده است. سازمانهای رسانه‌ای بین‌المللی بعداً این ویدیوها را پخش کردند.<sup>۱۱۰</sup>
- مجید سعیدی ظاهراً به گرفتن «عکس‌های غیر قانونی از تظاهرات غیر مجاز» و فرستادن آن به رسانه‌های خبری خارجی اعتراف کرد.<sup>۱۱۱</sup>
- مازیار بهاری ظاهراً به نوشتن مقالاتی برای نیوزویک و ارسال فیلم از تظاهرات به کانال ۴ تلویزیون بریتانیا اعتراف کرد.<sup>۱۱۲</sup>
- عماد بهاور به ساختن آگهی‌های تبلیغاتی برای کمپین موسوی و کروبی متهم گردید.<sup>۱۱۳</sup>
- محمد درمانکی فراهانی به فهرست بلند بالایی از تخلفات از جمله توهین به رهبران نظام، هدایت شعاردهی در تظاهرات، و تحریک افکار عمومی متهم گردید.<sup>۱۱۴</sup>

## آزادی تجمع (ماده ۲۱)

ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

---

<sup>۱۰۸</sup> همان، ص. ۱.

<sup>۱۰۹</sup> همان، صص. ۷۹-۸۰.

<sup>۱۱۰</sup> همان، ص. ۷۹.

<sup>۱۱۱</sup> همان، صص. ۷۹-۸۰.

<sup>۱۱۲</sup> همان.

<sup>۱۱۳</sup> همان.

<sup>۱۱۴</sup> همان.

۵۳- ماده ۲۷ قانون اساسی تصریح می کند «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». ماده ۹ قانون اساسی ایران تصریح می کند «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».<sup>۱۱۵</sup>

۵۴- کشور عضو در گزارش ۱۳۸۸ خود توضیح داد که «اجتماعات باید با اجازه وزارت کشور صورت گیرد و برگزاری راهپیمایی نیز باید با اطلاع قبلی وزارت کشور انجام شود».<sup>۱۱۶</sup> بر طبق آیین نامه کمیسیون اصل ۱۰، که مقررات احزاب سیاسی و دیگر گروهها را تعیین می کند، وزارت کشور که متشکل از منتصبین ریاست جمهوری است، مسئول تأیید یا رد درخواستهای راهپیمایی ها و تجمعات عمومی است. هیچگونه حق استینافی وجود ندارد. ماده ۳۰ آیین نامه کمیسیون اصل ۱۰ می گوید:

درخواست برگزاری راهپیمایی ها و تجمعات باید یک هفته پیش از تاریخ راهپیمایی یا تجمع، به صورت کتبی و شخصاً توسط نماینده به رسمیت شناخته شده گروه به وزارت کشور تحویل داده شود.

تبصره - لازم نیست در صورت بروز وقایع پیش بینی نشده، زمان تعیین شده توسط این ماده برای برگزاری راهپیمایی، رعایت شود. تصمیم گیری در این مورد با وزارت کشور است.<sup>۱۱۷</sup>

۵۵- وزارت کشور برای صدور یا عدم صدور اجازه، اختیارات وسیعی دارد. برای مثال، این وزارتخانه آزاد است تصمیم بگیرد آیا یک تجمع برای مبانی اساسی اسلام مضر است یا خیر. این مفهوم چنان مبهم است که کمیته سازمان ملل در باره حقوق کودک صراحتاً اظهار داشت چنین محدودیتهایی می تواند منجر به نادیده گرفتن حق تجمع شود و جمهوری اسلامی باید برای ارزیابی اینکه نقض چنین اصول اسلامی، مستلزم وجود چه شرایطی می تواند باشد، معیارهای واضحی تعیین نماید.<sup>۱۱۸</sup>

<sup>۱۱۵</sup> همان، ص. ۳۹.

<sup>۱۱۶</sup> «سومین گزارش دوره ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۵۲۳.

<sup>۱۱۷</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۳۹-۴۰.

<sup>۱۱۸</sup> همان.

۵۶- کمیته حقوق بشر تشخیص داده است که دولتها ممکن است نیاز به تذکر قبلی برای برگزاری تجمعات داشته باشند، اما در باره اینکه باید حداقل از سه روز قبل چنین تذکری داده شود ابراز نگرانی نموده و آن را بیش از حد سختگیرانه دانسته است. کمیته همچنین این نکته را تصریح نموده که هر گونه مراحل کسب اجازه باید شامل مراحل استیناف نیز بشود.<sup>۱۱۹</sup>

### سرکوب اعتراضات و تظاهرات پس از انتخابات

۵۷- ایران به دنبال انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، نتوانسته است تعهداتش را طبق مواد ۲۱ و ۲۷ قانون اساسی خویش نسبت به محافظت از آزادی تجمع افراد، برآورده سازد. حکومت به طور خودسرانه حق تجمع صلح‌جویانه مخالفان سیاسی، بیان عقاید سیاسی و دیگر عقاید را زیر پا گذاشته است. در ملاحظات نهایی کمیته در پرونده‌ای مربوط به توگو، کمیته وجود یک سری محدودیت‌هایی که به طور عجیبی شبیه وضعیت موجود در ایران بود، را مورد انتقاد قرار داد: «این کمیته از دریافت گزارشهایی حاکی از سازماندهی تظاهرات مسالمت آمیز توسط جامعه مدنی که مرتباً توسط مقامات آن کشور ممنوع شده و یا با بکارگیری زور متفرق شده اند، در حالیکه همین مقامات مرتباً راهپیمایی‌هایی را در حمایت از رئیس جمهور کشور ترتیب می‌دهند، اظهار نگرانی کرده است».<sup>۱۲۰</sup>

۵۸- پس از اعلام پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات با اختلاف آراء قابل توجه، در اوایل صبح روز ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، ناگهان تظاهرات در خیابانها آغاز شد. صادق محصولی، وزیر کشور اعلام داشت که تظاهرات خود جوش غیر قانونی است. مقامات از صدور مجوز تظاهرات برای مخالفان امتناع ورزیدند و بسیج و دیگر نیروهای امنیتی را برای در هم شکستن تظاهرات اعزام داشتند.<sup>۱۲۱</sup>

۵۹- در اهواز، مأموران نیروی انتظامی باتوم به دست به جمعیت دو هزار نفری تظاهرکنندگان حمله کردند. در شیراز، نیروهای امنیتی تیراندازی هوایی کرده و فرمانده انتظامی استان فارس، سردار علی معیری به مأمورانش اجازه تیراندازی به طرف تظاهرکنندگان را داد و اخطار کرد «از این به بعد ما با خشونت برخورد خواهیم کرد».<sup>۱۲۲</sup>

<sup>۱۱۹</sup> همان، صص. ۴۰-۴۱.

<sup>۱۲۰</sup> همان، ص. ۴۱.

<sup>۱۲۱</sup> همان، ص. ۱۱.

<sup>۱۲۲</sup> همان، ص. ۱۷.

۶۰- در روز ۲۷ خرداد، هزاران تظاهرکننده برای پنجمین روز متوالی، خیابانهای تهران را مملو ساختند. در روز ۲۹ خرداد، مرتضی تمدن، استاندار تهران، تصریح کرد که هیچگونه اجازه‌ای برای راهپیمایی مخالفین صادر نخواهد شد و شورای عالی امنیت ملی به درخواست موسوی برای صدور اجازه تظاهرات با تهدید پاسخ داده و گفت که این راهپیمایی‌ها «احتمالاً وابسته به گروههای مرتبط با خارج است.»<sup>۱۳۳</sup>

۶۱- آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر، در خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد، استفاده از خشونت علیه تظاهرکنندگان را نادیده انگاشت.<sup>۱۳۴</sup>

۶۲- پیش از تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای نگهبان برای رسیدگی به اتهامات مربوط به تقلب در رأی‌گیری، مجمع روحانیون مبارز برای برگزاری راهپیمایی به طرفداری از موسوی، تقاضای صدور مجوز نمود. حزب کروبی، اعتماد ملی، نیز درخواست مشابهی را ارائه کرد. کشور عضو درخواست تمامی مخالفان سیاسی برای صدور مجوز را رد کرد.<sup>۱۳۵</sup>

۶۳- «فریده» در تظاهرات ۳۰ خرداد مشاهده کرد که مقامات کشور عضو، گازی را در میان تظاهرکنندگان منتشر کردند. در ابتدا او فکر کرد که این گاز اشک‌آور است، اما سپس هنگامی که مردم در اطراف وی بر روی زمین افتادند و وی نیز دچار حالت تهوع و سرگیجه گردید، متوجه شد که این گاز دیگری است. بعداً پزشکی که تاوهای ظاهر شده بر روی بدن وی را معاینه کرد، متوجه شد که این‌علایم از قرار گرفتن در معرض گاز فسفر، حاصل شده‌اند. در تظاهرات ۱۸ تیر ۱۳۸۸ فریده دید که نیروی انتظامی مردی را کتک زده و او را بر روی صندلی عقب اتومبیلشان انداختند.<sup>۱۳۶</sup>

۶۴- کاندیداهای ریاست جمهوری، میرحسین موسوی و مهدی کروبی درخواست کردند در روز ۸ مرداد، مراسم یادبودی به مناسبت مرگ ندا آقاسلطان در تهران برگزار کنند و این وزارتخانه دوباره درخواستهای آنها را رد کرد. هزاران عزادار که در این مراسم حضور یافته بودند، به جرم شرکت در تظاهرات، مجرم شناخته شده و مورد حمله مأموران امنیتی قرار گرفتند. مقامات تقریباً پنجاه تن را دستگیر کردند.<sup>۱۳۷</sup>

<sup>۱۳۳</sup> همان.

<sup>۱۳۴</sup> همان، ص. ۲۳.

<sup>۱۳۵</sup> همان، ص. ۲۱.

<sup>۱۳۶</sup> «شهادتنامه فریده» (نام مستعار)، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۲۹ فـروردین ۱۳۸۹)، پاراگرافهـای ۳-۵، قابـل دسترس سـی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Farideh%20-%20EN.pdf>

<sup>۱۳۷</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۳۰.

۶۵- در روز ۲۴ مهر ۱۳۸۸ آیت‌الله احمد جنتی به نیروهای امنیتی گفت هنگام برخورد با تظاهرکنندگان بازداشت شده، هیچ ترحمی از خود نشان ندهند. رادان، فرمانده نیروی انتظامی، تأکید نمود که «پیشگیری از هر گونه بی‌نظمی در جامعه و وظیفه نیروی انتظامی است.»<sup>۱۲۸</sup>

۶۶- در روز ۱۳ آبان ۱۳۸۸ هزاران تظاهرکننده معترض در تهران سعی کردند تجمع کرده و به تظاهرکنندگانی که توسط دولت برای تظاهرات در مقابل ساختمان سابق سفارت آمریکا جمع شده بودند بپیوندند که ناموفق ماندند. صدها تن در خیابانها و کوچه‌ها جمع شده و شعارهای ضد دولت سر دادند. نیروهای امنیتی تظاهرکنندگان را با گاز اشک آور و باتوم متفرق ساختند. برخی از تظاهرکنندگان برای فرار از حملات به داخل ساختمانها گریختند، اما نیروهای امنیتی اغلب به سمت آنها یورش آوردند. مقامات ۱۰۹ تظاهرکننده را دستگیر نمودند. روز بعد عوامل کشور عضو، خانواده‌های بازداشت شدگان را که در خارج از بازداشتگاه وزرا گرد آمده و پیگیر وضعیت عزیزانشان بودند را مورد ضرب و جرح قرار داده متفرق ساختند.<sup>۱۲۹</sup>

۶۷- در روز ۱۶ آذر ۱۳۸۸، روز دانشجو، دانشجویان در محوطه دانشگاه در تظاهرات بزرگی شرکت کردند. نیروهای امنیتی افراد را از ورود به محوطه منع کرده و در تلاش برای پیشگیری از گسترش تظاهرات به خیابانها، دانشگاهها را بستند. نیروی انتظامی دستگیری بیش از ۲۰۰ تظاهرکننده را ظاهراً به دلیل مقاومت در برابر نیروهای امنیتی و شعار سردادن، گزارش کرد. موسوی و کروبی مجدداً درخواست مجوز برای برگزاری راهپیمایی نمودند اما دولت باز هم با درخواست آنها مخالفت نمود.<sup>۱۳۰</sup> در روز ۱۷ آذر «بیش از ۲۰۰ دانشجو که در طی مراسم سالانه روز دانشجو، در راهپیمایی‌های ضد دولتی شرکت کرده بودند دستگیر شدند.»

۶۸- درگذشت آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری در روز ۲۹ آذر ۱۳۸۹ باعث راهپیمایی عظیمی در قم و تظاهراتی در تهران، اصفهان، و نجف آباد گردید. مقامات برخی از عزاداران را در مسیر حرکت به طرف مراسم تشییع منتظری متوقف و دستگیر نمودند و بسیج به بیت منتظری حمله کرد. در روز ۲ دی ماه در اصفهان، آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری، امام جمعه سابق شهر، مراسم سوگواری به مناسبت سومین روز درگذشت منتظری ترتیب داد. نیروهای لباس شخصی دربهای مسجد را بستند و از گاز اشک آور و اسپری فلفل استفاده کرده و با خشونت تمام به ضرب و شتم اجتماع کنندگان در آن محل پرداختند. مقامات، روحانی سخنران، چندین روزنامه نگار و پنجاه تن دیگر را کتک زده و دستگیر نمودند.<sup>۱۳۱</sup>

<sup>۱۲۸</sup> همان، صص. ۳۰-۳۱.

<sup>۱۲۹</sup> همان، صص. ۳۲-۳۴.

<sup>۱۳۰</sup> همان، ص. ۳۵.

<sup>۱۳۱</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۳۶.



۶۹- هفتمین روز سوگواری آیت‌الله منتظری، که یکی دیگر از روزهای مهم در دوره چهل روزه عزاداری می‌باشد، با یکی از مهمترین ایام مذهبی شیعیان ایران- یعنی عاشورا- همزمان گردید. در روز تاسوعا، روز پیش از عاشورا، در حدود پنجاه تن از افراد گروه‌های خودسر به مسجد جماران در تهران وارد شدند و مراسم سخنرانی محمد خاتمی را مختل ساختند.<sup>۱۳۲</sup>

۷۰- در روز عاشورا، ۶ دی ۱۳۸۹، اعتراضات خیابانی و برخوردهایی در مشهد، تبریز، اراک، بابل، نجف آباد، اصفهان، شیراز، اردبیل و ارومیه به وقوع پیوست. نوارهای ویدیویی نشان می‌دهد که بسیج و پلیس ضد شورش در حال ضرب و شتم، تیراندازی، و زیر گرفتن تظاهرکنندگان با اتومبیل هستند. در اصفهان، بیش از ۴۰۰ تظاهرکننده در طول درگیریهای خیابان حسین آباد دستگیر شدند. در تهران، بر اساس گزارشها ۱۱۰۰ تن دستگیر گردیدند. مقامات حداقل دو خارجی را در ارتباط با تظاهرات دستگیر کردند: کاردار سفارت سوئد و یک توریست آلمانی.<sup>۱۳۳</sup>

## آزادی انجمن (ماده ۲۲)

### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۷۱- در سال ۱۳۷۲ این کمیته نگرانی خود را در باره محدودیتهای شدید آزادی انجمن در ایران ابراز داشت و ایران را ترغیب نمود تا «اقدامات لازم» را در جهت از بین بردن این محدودیتها «بردارد».<sup>۱۳۴</sup> به ویژه، بعضی از اعضای کمیته حقوق بشر از کشور عضو خواستند در باره اینکه «دقیقاً چه معیارهایی آزادی انجمن را محدود کرده است» توضیح دهد و چرا بهاییان اجازه تشکیل اتحادیه‌های شغلی و شرکتهای تعاونی را ندارند.<sup>۱۳۵</sup>

<sup>۱۳۲</sup> همان، صص. ۳۷- ۳۸.

<sup>۱۳۳</sup> همان، صص. ۳۷- ۳۹.

<sup>۱۳۴</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگرافهای ۱۵، ۲۳.

<sup>۱۳۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، خلاصه مذاکرات هزار و دویست و پنجاه و دومین جلسه ملاقات: ایران (جمهوری اسلامی)، پاراگراف ۱۷، سند سازمان ملل متحد CCPR/C/SR.1252 (۱۳۷۳)، قابل دسترسی در

[http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/f650d6a7763ca0ff80256651003d41a2?Opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/f650d6a7763ca0ff80256651003d41a2?Opendocument)

۷۲- کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود به کمیته حقوق بشر، قادر نبوده است در باره محدودیتهای حقوقی موجود در مورد آزادی انجمن یا دیگر حقوق بهائیان، سخنی بگوید. ایران توضیح داد که افراد می‌توانند بعضی انجمنهای بخصوص را تشکیل دهند «به شرط آنکه اصول استقلال، آزادی، اتحاد ملی، ضوابط اسلامی، یا اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».<sup>۱۳۶</sup> این محدودیتهای گنگ در باره حقوقی که بر طبق مواد ۱۸ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده، امکان دستکاری در این حقوق را سبب می‌شود، و به کشور عضو اجازه می‌دهد سازمانهای صلح دوستی که هیچگونه خطری برای امنیت کشور ندارند را ممنوع نمایند.<sup>۱۳۷</sup> آیین نامه دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی هم حق آزادی تجمع که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده را محدود می‌نمایند.<sup>۱۳۸</sup>

۷۳- سیستم‌های فیلتر کننده اینترنت کشور عضو، وبسایت‌هایی که در باره حقوق زنان و آموزش جنسی باشد را هم مسدود می‌کند<sup>۱۳۹</sup> و فعالان و مدافعان حقوق زنان هم اغلب مورد تعرض قرار گرفته، دستگیر و زندانی می‌گردند.<sup>۱۴۰</sup>

- از زمان تأسیس کمپین یک میلیون امضاء در سال ۱۳۸۵، به امضاء آن حق تجمع داده نشده است. این کمپین که رسماً در ۵ شهریور ۱۳۸۵ آغاز گردیده، هدفش جمع آوری امضاء یک میلیون ایرانی در حمایت از انجام اصلاحاتی در قانون مجازات اسلامی و قوانین مدنی کشور است. شاهدان گزارش می‌کنند که مقامات، افراد وابسته به این کمپین را دستگیر و بازجویی می‌کنند.<sup>۱۴۱</sup>
- مقامات، سی و سه فعال حقوق زنان که در اعتراض به بازداشت و محاکمه فعالان بیگناه، در اسفند ۱۳۸۵ در بیرون دادگاه انقلاب ایستاده بودند را بازداشت نمودند.<sup>۱۴۲</sup>
- در سال ۱۳۸۷ چهار زن صرفاً به دلیل فعالیت‌هایشان برای حقوق زنان و مشارکت در روزنامه‌ها به تلاش برای براندازی رژیم و تبلیغ علیه حکومت، محکوم شدند.<sup>۱۴۳</sup>

<sup>۱۳۶</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۵۲۵-۵۳۲.

<sup>۱۳۷</sup> محافل محلی و ملی بهائیان نمونه‌هایی از این هستند. به طور کلی نگاه کنید به «دیانتی ممنوع»، رک. زیرنویس ۲۷، صص. ۲۳-۲۵.

<sup>۱۳۸</sup> نگاه کنید به «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۴۰.

<sup>۱۳۹</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۲۲.

<sup>۱۴۰</sup> به طور کلی نگاه کنید به «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵.

<sup>۱۴۱</sup> همان، صص. ۴۱-۴۲.

<sup>۱۴۲</sup> همان، صص. ۸-۹.

<sup>۱۴۳</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۴۰.

۷۴- در روز ۱۱ بهمن ۱۳۸۷، مقامات کشور عضو، نفیسه آزاد، بیگرد ابراهیمی، و شهین ابراهیمی را در حالیکه در کوههای شمال تهران در حال جمع‌آوری امضاء برای کمپین یک میلیون امضاء بودند، دستگیر کردند. بیگرد ابراهیمی و شهین ابراهیمی روز بعد با سپردن تضمین مالی ۲۰ میلیون تومانی (در حدود ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شدند. مقامات، خانم آزاد را تا ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ که با تضمین ۵۰ میلیون تومانی (حدود ۵۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد گردید، در بازداشتگاه وزرا نگاه داشتند.<sup>۱۴۴</sup>

۷۵- اعضاء مادران عزادار که فعالیتشان تنها بر اساس اصل مسلم داشتن حق تجمع است، برای گرفتن حق خود، با ضرب و شتم و دستگیری مواجه شدند. بیانیه مأموریت رسمی مادران عزادار که همچنین به نام «مادران لاله» نیز نامیده می‌شود در روز سه شنبه، ۲ تیر ۱۳۸۸ صادر شد. این بیانیه، حاوی پیام ذیل است:

تا زمان آزادی تمامی تظاهرکنندگان بازداشت شده، که به دلیل اعتراض به تقلب در انتخابات دستگیر شده‌اند، متوقف شدن خشونت، و تا زمانی که قاتلان فرزندان ما مجازات شوند، ما هر هفته ساعت ۷ بعد از ظهر، در محل شهادت ندای عزیزمان، خیابان امیرآباد، پارک لاله، نزدیک فواره آب گرد هم آمده و در سکوت به عزا می‌نشینیم.<sup>۱۴۵</sup>

#### رهایی از دستگیریها و بازداشت‌های خودسرانه (ماده ۹)

#### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۷۶- ماده ۹ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی فرمان می‌دهد که افراد نباید به طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت شوند. ماده ۹ (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند که افراد باید در هنگام دستگیری از دلیل دستگیری خود مطلع شوند. ماده ۹ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی فرمان می‌دهد که بازداشت شدگان را باید فوراً در برابر قاضی حاضر نموده و ظرف مدت معقولی مورد محاکمه قرار گیرند.

<sup>۱۴۴</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۱۴.

<sup>۱۴۵</sup> همان، صص. ۳۲-۳۳.

۷۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح می‌کند که «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند».<sup>۱۴۶</sup> اما به هر حال کشور عضو مرتباً افرادی که مقامات آنها را برای کشور تهدید تلقی می‌کنند، به طور خودسرانه دستگیر و زندانی می‌کند.

- مقامات بدون داشتن حکم جلب، در روز ۳ آذر ۱۳۸۰ سیامک پورزند، روزنامه نگار را دستگیر نمودند. کشور عضو در پاسخ به درخواست مورخ بهمن ۱۳۸۰ گروه کاری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد بازداشت‌های خودسرانه، برای اطلاعاتی در باره دستگیری و بازداشت مستمر پورزند، پاسخ داد که وی در بازداشت احتیاطی به سر می‌برد. کشور عضو، در هنگام محاکمه پورزند در اسفند ۱۳۸۰، وی را در باره اتهاماتی که رسماً به وی وارد کرده بودند (اگر اصلاً چنین اتهاماتی وجود داشت)، مطلع نساختند.<sup>۱۴۷</sup>
- مقامات در اردیبهشت ۱۳۸۱ حسن زارع زاده اردشیر، فعال حقوق بشر، روزنامه نگار، و سخنگوی سابق جبهه متحد دانشجویی را بدون داشتن حکم جلب و بدون ابلاغ اتهامات وارده علیه وی، دستگیر نمودند.<sup>۱۴۸</sup>
- در روز ۲۳ خرداد ۱۳۸۷ مقامات، ۹ زن شامل آیدا سعادت، فعال حقوق زنان، را در بیرون گالری راه ابریشم در تهران دستگیر کردند. این خانمها، به مناسبت روز اتحاد زنان مراسم بزرگداشت مسالمت‌آمیزی برگزار کرده بودند.<sup>۱۴۹</sup>

### دستگیریه‌ها و بازداشت‌های خودسرانه به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

۷۸- به دنبال انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، مقامات تعداد بیشماری از اعضاء مخالفین، فعالان سیاسی، اقلیتها، زنان، و حقوق بشر و مدافعان آنها را بدون ارائه حکم جلب و بدون آگاه نمودن آنها از دلیل دستگیریشان، دستگیر کردند که این نقض ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شمار می‌رود. در ۲۹ خرداد

<sup>۱۴۶</sup> «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۵۸ [مصوب ۱۳۵۸، اصلاح شده در ۱۳۶۸]، ماده ۳۲.

<sup>۱۴۷</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «تمسخر عدالت: پرونده سازی بر علیه سیامک پورزند»، صص. ۲۱، ۳۶ (مرداد ۱۳۸۷)، قابل دسترسی در [http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Mockery-of-Justice\\_Aug08.pdf](http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Mockery-of-Justice_Aug08.pdf)

<sup>۱۴۸</sup> «شهادتنامه حسن زارع زاده اردشیر»، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است (۲۱ آبان ۱۳۸۷)، پاراگرافه‌های ۷، ۳۳-۳۲، قابل دسترسی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/HZAWS.pdf>

<sup>۱۴۹</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۷.

۱۳۸۸ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر، در باره فقدان شفافیت مربوط به بازداشت معترضان پس از انتخابات ۱۳۸۸ ابراز نگرانی نمود.<sup>۱۵۰</sup>

- سمیه توحیدلو، وبلاگ نویس و فعال سیاسی، بدون دریافت حکم جلب و یا هیچگونه توضیحی در ساعت ۳ صبح روز پس از انتخابات ۱۳۸۸ در منزل خانواده‌اش دستگیر شد. پس از دو ماه قاضی حسین حداد اعلان کرد که آزادی توحیدلو در پی دستور دادستان سعید مرتضوی به تعویق افتاده است.<sup>۱۵۱</sup>
- کیوان صمیمی بهبهانی، سردبیر ماهنامه نامه، و عضو کمیته مرکزی کانون دفاع از آزادی مطبوعات، در شب پیش از ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ در منزلش دستگیر شد. پنج ماه بعد، پرونده‌اش هنوز فاقد حکم رسمی جلب بود.<sup>۱۵۲</sup>
- شیوا نظرآهاری، یکی از فعالان شناخته شده حقوق زنان و نیز از مؤسسين کمیته گزارشگران حقوق بشر، در روز ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر گردید. وی مجدداً بدون هیچگونه حکم جلبی در روز ۲۹ آذر ۱۳۸۸ هنگامی که به همراه محبوبه عباسقلی‌زاده و ژیلای بنی یعقوب در حال سوار شدن به اتوبوسی که عازم مراسم تشییع آیت‌الله منتظری در قم بود، دستگیر شد.<sup>۱۵۳</sup>
- سعید حجاریان، مشاور سابق ریاست جمهوری، که در سال ۱۳۷۹ در نتیجه سوء قصدی به جانش معلول شد، در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر گردید. دادستان پس از نگاهداشتن حجاریان در حبس برای ۱۰۹ روز، وی را آزاد نمود.<sup>۱۵۴</sup>
- مأموران لباس شخصی، در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ محمد علی ابطحی، مشاور مهدی کروبی نامزد اصلاح طلب ریاست جمهوری، را دستگیر کردند. این مأمورها هیچ کارت شناسایی یا حکم جلبی نشان ندادند و او را از دلیل دستگیری‌اش یا اینکه وی را به کجا می‌برند، آگاه نساختند.<sup>۱۵۵</sup>
- ژیلای بنی یعقوب، روزنامه نگار ایرانی و فعال حقوق زنان که شهرت جهانی دارد، در روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ همراه با همسرش بهمن احمدی عمویی دستگیر شد.<sup>۱۵۶</sup>
- هنگامی که «فریده» در پشت چراغ قرمز توقف کرده بود، نیروی انتظامی متوجه می‌بند سبز وی بر دستش شد، که نشان اعتراض او به نتایج انتخابات است - شیشه‌های اتومبیل وی را شکسته و به قسمت جلوی اتومبیل وی خسارت رساند.<sup>۱۵۷</sup>

<sup>۱۵۰</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۵۶.

<sup>۱۵۱</sup> همان، ص. ۶۲.

<sup>۱۵۲</sup> همان، ص. ۶۳.

<sup>۱۵۳</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۳.

<sup>۱۵۴</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۶۵، ۶۷.

<sup>۱۵۵</sup> همان، ص. ۶۸.

<sup>۱۵۶</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۴.

<sup>۱۵۷</sup> «شهادتنامه فریده»، رک. زیرنویس ۱۲۶، پاراگراف ۵.

- مقامات هنگامه شهیدی، فعال حقوق زنان و روزنامه نگار و عضو حزب اعتماد ملی را در روز ۹ تیر ۱۳۸۸ در میدان هروی تهران دستگیر کردند. وکیل او، محمد مصطفایی گزارش کرد که پرونده وی دارای حکم جلب نبوده، اما البته حاوی نسخه‌ای از نامه سعید مرتضوی، دادستان کل وقت، بوده است. شهیدی در ابتدا به «شرکت در تجمعات غیر قانونی و شورش‌های خیابانی پس از انتخابات» متهم گردید.<sup>۱۵۸</sup>
- کیان تاجبخش، جامعه شناس و طراح شهرسازی، در ۱۸ تیر ۱۳۸۸ دستگیر گردید.<sup>۱۵۹</sup>
- مریم صبری در روز ۸ مرداد ۱۳۸۸ پس از شرکت در مراسم یادبود چهلمین روز سوگواری برای ندا آقا سلطان، دستگیر شده، چشم بند و دستبند زده شده و به بازداشتگاه نامعلومی برده شد.<sup>۱۶۰</sup>
- ابراهیم علی مهتری، دانشجوی ۲۷ ساله علوم رایانه، در روز ۲۸ مرداد ۱۳۸۸ به دلیل شرکت در تظاهراتی در نزدیکی میدان انقلاب در تهران، دستگیر شد. به وی چشمبند و دستبند زده و سپس او را در اتومبیل بدون شماره‌ای منتقل و به بازداشتگاه نامعلومی بردند.<sup>۱۶۱</sup>
- تانیا احمدی کلیجی، وبلاگ نویس و فعال حقوق زنان، از تظاهرات پس از انتخابات عکس گرفته و گزارش پخش می‌کرد. در مرداد ۱۳۸۸، عوامل کشور عضو، وی را در آپارتمانش در تهران دستگیر کرده و اوراق مربوط به حقوق زنان را توقیف کردند.<sup>۱۶۲</sup>
- در ۱۴ آذر ۱۳۸۸، مقامات بیش از بیست عضو گروه مادران عزادار را در یکی از تجمعات هفتگی‌شان در یکی از پارک‌های تهران دستگیر نمودند. بر اساس گزارش‌ها بعضی از اعضاء چند ساعت بعد آزاد شدند در حالیکه دیگران در بازداشت باقی ماندند.<sup>۱۶۳</sup>
- سمیه رشیدی، فعال حقوق زنان و عضو کمپین یک میلیون امضاء، در روز ۲۸ آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی در ۶ اسفند ۱۳۸۸ از زندان اوین مرخص گردید.<sup>۱۶۴</sup>
- هنگامیکه مقامات در روز ۲۹ آذر ۱۳۸۸ مجبوره عباسقلی‌زاده، فعال با سابقه حقوق زنان را دستگیر کردند هیچگونه حکم جلب یا کارت شناسایی از خود نشان ندادند. مقامات عباسقلی‌زاده و نظر آهاری را در حالیکه آماده سوار شدن در اتوبوسی بودند که عازم مراسم تشییع آیت‌الله منتظری در قم بود، دستگیر نمودند.<sup>۱۶۵</sup>

<sup>۱۵۸</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۲.

<sup>۱۵۹</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۷۲-۷۳.

<sup>۱۶۰</sup> همان، صص. ۴۵-۴۶.

<sup>۱۶۱</sup> همان، ص. ۴۷.

<sup>۱۶۲</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۵.

<sup>۱۶۳</sup> همان، ص. ۳۳.

<sup>۱۶۴</sup> همان، ص. ۳۱.

<sup>۱۶۵</sup> همان، ص. ۲۳.

- در روز ۸ دی ۱۳۸۸، منصوره شجاعی فعال حقوق زنان در منزل خود و بدون ارائه حکم جلب، دستگیر شد و تا چندین هفته علت دستگیری‌اش را به وی نگفتند.<sup>۱۶۶</sup>
- در روز ۱۹ دی ۱۳۸۸، عوامل کشور عضو ۳۳ تن از اعضای گروه مادران عزادار را در طی یکی از تجمعات مسالمت آمیز هفتگی‌شان دستگیر کردند. مأموران بسیاری از این زنان را به بازداشتگاه وزرا منتقل کردند، اما نه تن از آنها به بیمارستان انتقال یافتند. در اواخر بهمن ۱۳۸۸، مقامات، طرفداران مادران عزادار در تهران را دستگیر و برخی از آنها را در حبس انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداشتند.<sup>۱۶۷</sup>
- در روز ۱۲ دی ۱۳۸۸، فروغ میرزایی، وکیلی که دفاع از بسیاری از فعالان حقوق زنان را بر عهده داشت، به همراه همسرش، روزبه کریمی، روزنامه نگار، دستگیر شد.<sup>۱۶۸</sup>
- عوامل اطلاعات، مریم قنبری، وکیلی که برای دفاع از فعالان حقوق زنان شناخته شده بود، در ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ در منزلش در تهران دستگیر کردند. آنها حکم جلب ارایه نکردند و علت تفتیش منزلش را به وی توضیح ندادند، اما به هر حال رایانه‌اش را توقیف نمودند.<sup>۱۶۹</sup>
- در خرداد ۱۳۸۹ مقامات، نرگس محمدی، معاون شیرین عبادی در کانون مدافعان حقوق بشر را در منزلش دستگیر کردند. آنها حکم جلب ارایه نکرده و دلیل دستگیری وی را توضیح ندادند.<sup>۱۷۰</sup>
- نسرين ستوده، وکیل و فعال برجسته حقوق بشر در روز ۱۶ شهریور ۱۳۸۹ پس از آنکه برای بازجویی به زندان اوین تهران احضار شده بود بر پایه یک سری اتهامات بی اساس از جمله «همکاری با کانون مدافعان حقوق بشر - گروهی که خود را وقف دفاع از حقوق زنان، زندانیان سیاسی و اقلیتها در ایران کرده بود - دستگیر شد.»<sup>۱۷۱</sup>

<sup>۱۶۶</sup> همان، ص. ۴۴.

<sup>۱۶۷</sup> همان، ص. ۳۳.

<sup>۱۶۸</sup> همان، ص. ۲۹.

<sup>۱۶۹</sup> همان.

<sup>۱۷۰</sup> همان، ص. ۳۰.

<sup>۱۷۱</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «اطلاعیه مطبوعاتی: مرکز اسناد حقوق بشر ایران خواهان آزادی نسرين ستوده و همتون کیسان است» (۲۷ مه ۱۳۸۹)، قابل دسترس در

<http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/PressReleases/2010/Press%20Release%20on%20Targeting%20of%20Lawyers%20-%20Oct%202019%202010%20.pdf>

## وثیقه‌های هنگفت و فرض بر گناهکار بودن

۷۹- در سال ۱۳۸۵ نماینده ویژه سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان، اظهار داشت ایران از وثیقه به عنوان یک اقدام تنبیهی استفاده می‌کند.<sup>۱۷۲</sup>

۸۰- ماده ۹ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می‌دارد که «بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد.» مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام داشت که:

دستگیری یا بازداشت چنین شخصی که در انتظار تحقیقات و دادرسی است باید صرفاً برای مقاصد اجرای عدالت و بر پایه موازین حقوقی و تحت شرایط و طی مراحل که قانون تعیین کرده انجام گیرد. اعمال محدودیت بر چنین شخصی اگر صرفاً به منظور حبس یا پیشگیری از سد راه شدن مراحل تحقیق و بررسی یا اجرای عدالت، یا برای حفظ امنیت و نظم در محل حبس نباشد، باید ممنوع گردد.<sup>۱۷۳</sup>

۸۱- کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود توضیح داده است که ماده ۱۳۲ آیین نامه دادرسی کیفری کشور تصریح می‌کند «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.»<sup>۱۷۴</sup>

۸۲- قاضی اسکندری برای آرش سیگارچی، وبلاگ نویس و روزنامه نگار که در دی ماه ۱۳۸۳ دستگیر شده بود، یک وثیقه سرسام آور دو بلیون ریالی (معادل ۲۲۵٫۰۰۰ دلار آمریکا) تعیین کرد. قاضی متوجه بود که با تعیین چنین مبلغی برای وثیقه، سیگارچی به ارتباطش با دولتهای بیگانه اعتراف خواهد کرد که این خود زمینه بیشتری را برای بازداشت وی فراهم خواهد ساخت.<sup>۱۷۵</sup>

۸۳- نمونه‌های تعیین وثیقه‌های تنبیهی و تحمیلی توسط کشور عضو که پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ اتفاق افتاده، شامل موارد ذیل می‌گردد:

- احمد زیدآبادی، یک روزنامه نگار محترم و برنده جایزه قلم طلایی آزادی، مدت کوتاهی پس از انتخابات دستگیر شده و به نقطه نامعلومی انتقال داده شد. وقتی اعضاء خانواده وی سعی کردند برای وی

<sup>۱۷۲</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۷.

<sup>۱۷۳</sup> همان، ص. ۴۷.

<sup>۱۷۴</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۲۲۴.

<sup>۱۷۵</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۹.



وثیقه بگذارند، قوه قضائیه دو بار وثیقه وی را افزایش داد. حتی پس از آنکه خانواده او مبلغ اضافه شده را نیز پرداختند، آزادی زیدآبادی به تأخیر افتاد، زیرا دادستان نتوانسته بود دادگاه را از دریافت مبلغ وثیقه باخبر سازد.<sup>۱۷۶</sup>

- خانواده مهدیه گلرو، فعال حقوق زنان (که در فروردین ۱۳۸۹ دستگیر شد) قادر به پرداخت وثیقه وی به مبلغ ۵۰٫۰۰۰ دلار آمریکا نبودند.<sup>۱۷۷</sup>
- کشور عضو برای خدیجه مقدم، فعال حقوق زنان، که در ۶ فروردین ۱۳۸۸ به همراه ۱۱ تن دیگر از اعضاء کمپین یک میلیون امضاء برای برابری، دستگیر شده بود، وثیقه‌ای هنگفت و ناپرداختنی تعیین نمود.<sup>۱۷۸</sup>
- هنگامه شهیدی، فعال حقوق زنان و روزنامه نگار، دستگیر شده در تاریخ ۹ تیر ۱۳۸۸، به «شرکت در تجمعات غیرقانونی و شورشهای خیابانی پس از انتخابات» متهم گردید. وثیقه او معادل ۹۰٫۰۰۰ دلار آمریکا تعیین شد.<sup>۱۷۹</sup>
- شادی صدر، وکیل و فعال نامی حقوق زنان، در صبح روز ۲۶ تیر ۱۳۸۸ هنگام رفتن به دانشگاه تهران برای شرکت در نماز جمعه به امامت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، در بین راه دستگیر شد.<sup>۱۸۰</sup> پس از چند روز مقامات به وی گفتند می‌تواند با گذاشتن تضمین مالی ۵ میلیون تومانی (معادل ۵٫۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شود. صدر این مبلغ را پرداخت اما در لحظات آخر، آزادی وی به تعویق افتاد زیرا بازجوها وی را متهم کردند که در مورد یکی از ایمیل‌هایش، شناسه و گذرواژه اشتباه در اختیار آنها گذاشته است.<sup>۱۸۱</sup>
- شیوا نظرآهاری، فعال با سابقه حقوق زنان و عضو مؤسس کمیته گزارشگران حقوق بشر، در روز ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ بدون حکم جلب دستگیر شد. وی پس از گذاشتن وثیقه‌ای سنگین، در اول مهر ۱۳۸۸ آزاد شد.<sup>۱۸۲</sup>
- مهرانوش اعتمادی، فعال کمپین یک میلیون امضاء در اصفهان، در روز ۲ آذر ۱۳۸۸ در منزلش دستگیر گردید. وی به «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در کمپین یک میلیون امضاء و از طریق انجام

<sup>۱۷۶</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۶۴-۶۵.

<sup>۱۷۷</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۸.

<sup>۱۷۸</sup> همان.

<sup>۱۷۹</sup> همان، ص. ۳۲.

<sup>۱۸۰</sup> همان، ص. ۲۰.

<sup>۱۸۱</sup> همان، ص. ۲۱.

<sup>۱۸۲</sup> همان، ص. ۲۳.

فعالتهایی به قصد اقتدار بخشیدن به زنان» متهم گردید. اعتمادی در روز ۱۷ آذر ۱۳۸۸ پس از گذاشتن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی (در حدود ۵۰٫۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد.<sup>۱۸۳</sup>

- در روز ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ مأموران امنیتی مریم چنبری، وکیل مدافع فعالان حقوق زنان را در منزلش در تهران دستگیر نمودند. او هرگز حکم جلبش را ندید و حدود سه هفته بعد و پس از گذاشتن یک وثیقه سنگین (حدود ۵۰٫۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد گردید.<sup>۱۸۴</sup>
- هنگامه شهیدی، فعال حقوق زنان، روزنامه نگار و عضو حزب اعتماد ملی، در ۹ تیر ۱۳۸۸ در میدان هروی تهران دستگیر شد. وی در روز ۱۰ آبان ۱۳۸۲ با گذاشتن وثیقه ۹۰ میلیون تومانی (حدود ۹۰٫۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد.<sup>۱۸۵</sup>

۸۴- کشور عضو عموماً تضمینهای مالی اشخاص ثالثی که اغلب بستگان شخص دستگیر شده هستند را مطالبه می‌نماید، که این افراد هم بخشی از درآمد یا دارایی خود را به عنوان ضمانت اختصاص می‌دهند، بطوریکه اگر شخص دستگیر شده شرایط مندرج در وثیقه را شکست، کشور عضو، داراییهای تضمینی را مصادره خواهد کرد.<sup>۱۸۶</sup>

#### حق برخورداری از محاکمه عادلانه (مواد ۹ و ۱۴)

۸۵- ماده ۱۴ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «حد اقل تضمین‌ها»یی که دستگیر شدگان مجرم از آن برخوردار هستند را تعیین می‌نماید. این حقوق شامل موارد زیر می‌باشند: (الف) در اسرع وقت از اتهاماتی که به او نسبت داده شده، مطلع گردد؛ (ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه خود و ارتباط با وکیل منتخب خود را داشته باشد؛ (ج) مراحل دادرسی بدون تأخیر غیرموجه انجام شود؛ (د) حضوراً محاکمه شود؛ (ه) از شهودی که بر علیه وی شهادت می‌دهند سؤال شود؛ (و) مجبور نشود علیه خود شهادت دهد یا به جرم اعتراف نماید. اعترافات که از طریق «شکنجه یا دیگر اشکال رفتارهای ممنوعه» به دست آید فاقد اعتبار می‌باشد.<sup>۱۸۷</sup>

---

<sup>۱۸۳</sup> همان، صص. ۳۰-۳۱.

<sup>۱۸۴</sup> همان، ص. ۲۹.

<sup>۱۸۵</sup> همان، ص. ۳۲.

<sup>۱۸۶</sup> همان، ص. ۴۷-۴۸.

<sup>۱۸۷</sup> همان، ص. ۴۴.

## ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۸۶- در سال ۱۳۷۲، کمیته از کشور عضو قویاً درخواست نمود که قوانین خود را با مواد ۹ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وفق دهد تا حقوق افراد دستگیر شده برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه، از جمله حق «داشتن مشاوره حقوقی، حق حضور فوری در برابر قاضی، و حق داشتن جلسات علنی محاکمه» تضمین گردد. این کمیته از کشور عضو مجدانه درخواست نمود در مورد لغو دادگاههای انقلاب «که در آن به نظر می‌رسد محاکمه در برابر دوربین بصورت قانده درآمده، و ظاهراً هیچ امکان واقعی برای متهم وجود ندارد تا از خود دفاع نماید» اقدام کند.<sup>۱۸۸</sup>

۸۷- کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود اظهار داشته که بر طبق قوانین ایران «دفاتر نیروی انتظامی نمی‌توانند شخص را برای بیش از ۲۴ ساعت نگاه دارند، مگر بر طبق حکم صادره از یک دادگاه ذیصلاح». ماده ۳۲ قانون اساسی ایران ملزم می‌دارد که اتهامات به صورت کتبی «بدون تأخیر» به متهم تفهیم شود.<sup>۱۸۹</sup>

۸۸- کشور عضو همچنین گزارش کرد که قوه قضاییه آن، شعبه‌ای مستقل از دولت می‌باشد. بر طبق آیین دادرسی کیفری «فریب و اجبار فرد متهم ممنوع است.» کشور عضو ادعا می‌کند که آراء دادگاهها بر اساس شواهد بوده و «مطابق با مواد حقوقی و اصول مشتق از آنهاست»، اما اذعان دارد که قضات از اختیارات فوق‌العاده زیادی برخوردار بوده و می‌توانند بر منابع غیر حقوقی متکی باشند. اگر در موردی قانون وجود نداشته باشد، دادگاه می‌تواند بر «فتوهای ... موثق» تکیه نماید.<sup>۱۹۰</sup>

۸۹- کشور عضو اعتراف کرد که متهمان را به طور غیابی محاکمه کرده و حکم مجازات صادر می‌نماید.<sup>۱۹۱</sup> کشور عضو معتقد است نظر به اینکه به اشخاص امکان می‌دهد نسبت به حکم صادره، درخواست پژوهش نمایند، بنابراین به تعهداتش بر طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عمل نموده است.<sup>۱۹۲</sup> این کشور اظهار می‌دارد قوانین ایران تنها مقرر می‌کند که افراد می‌توانند برای پرسش از شهود، از دادگاه کسب اجازه نمایند.<sup>۱۹۳</sup>

<sup>۱۸۸</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگرافهای ۱۲، ۲۰.

<sup>۱۸۹</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۲۲۳.

<sup>۱۹۰</sup> همان، پاراگرافهای ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۷۱.

<sup>۱۹۱</sup> همان، پاراگراف ۳۷۳.

<sup>۱۹۲</sup> همان، پاراگراف ۳۲۳.

<sup>۱۹۳</sup> همان، پاراگراف ۳۰۱.

۹۰- در سال ۱۳۸۰، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور استقلال قضاوت و وکلا، در باره اظهارات هادی مروی، معاون اول رئیس قوه قضائیه که گفته بود قضاوت در قضاوتشان هیچ استقلالی ندارند و باید مطیع رهبر باشند، اظهار نگرانی کرد.<sup>۱۹۴</sup>

۹۱- این واقعیت که بسیاری از زندانیان سیاسی در بازداشتگاههایی نگاه داشته می‌شوند که خارج از حوزه اقتدار قوه قضائیه و سازمان زندانهای کشور عمل می‌کند، امکان دسترسی به یک دادرسی عادلانه را حتی مشکل‌تر می‌سازد. این روش به عوامل دولت اجازه می‌دهد زندانیان را خارج از سیستم قانونی ایران، بازداشت و شکنجه کنند. این مراکز «مخفی» و غیر قانونی شامل زندان ۵۹، دفتر اماکن نیروی انتظامی، زندان خاتم‌الانبیاء، و زندان جی می‌شوند.<sup>۱۹۵</sup>

### دسترسی با تأخیر و یا عدم دسترسی به دادگاه

۹۲- در ایران دستگیر شدگان غالباً بازداشت شده و آزاد می‌شوند بدون اینکه قاضی را ببینند، و دیگران هم تنها پس از تأخیری طولانی، به حضور قاضی برده می‌شوند.<sup>۱۹۶</sup>

- در اردیبهشت ۱۳۸۱ حسن زارع زاده اردشیر دستگیر و به یک بازداشتگاه مخفی غیر قانونی انتقال داده شد. وی برای نخستین بار پس از تحمل دو هفته شکنجه و بازجویی، موفق شد قاضی را ببیند ولی امکان اعتراض به بازداشت خود را نیافت. قاضی اتهامات اردشیر را گوشزد کرد و هنگامی که اردشیر از همکاری با وی امتناع ورزید، قاضی او را مضروب ساخت.<sup>۱۹۷</sup>
- شیوا نظرآهاری، فعال حقوق زنان، در آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد اما تا شهریور ۱۳۸۹ محاکمه نگردید. یک ماه بعد حکم او را صادر نمودند.<sup>۱۹۸</sup> مهرانوش اعتمادی، یک فعال دیگر حقوق زنان، در آبان ۱۳۸۸

<sup>۱۹۴</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۶۹.

<sup>۱۹۵</sup> همان؛ «شهادتنامه علی افشاری»، رک. زیرنویس ۶۸، پاراگراف ۶؛ «شهادتنامه کوروش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف ۳۲.

<sup>۱۹۶</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۴۵-۴۷.

<sup>۱۹۷</sup> «شهادتنامه حسن زارع زاده اردشیر»، رک. زیرنویس ۱۴۸، پاراگراف‌های ۳۲، ۳۳.

<sup>۱۹۸</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «اطلاعیه مطبوعاتی: مرکز اسناد حقوق بشر ایران احکام شیوا نظرآهاری و حسین درخشمان را محکوم می‌نماید.» (۶ مهر ۱۳۸۹)، قابل دسترسی در

<http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/PressReleases/2010/Press%20Release%20on%20Heavy%20Sentences%20of%20Activists%20Sept%2028%202010.pdf>

دستگیر شد. اگرچه ماه بعد، او پس از پرداخت وثیقه‌ای به ارزش ۵۰٫۰۰۰ دلار آمریکا آزاد گردید، هنوز برای تشکیل دادگاه وی تاریخی تعیین نشده است.<sup>۱۹۹</sup>

- محبوبه کرمی، عضو کمپین یک میلیون امضاء در روز ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شد. او را در بند ۲-الف زندان سپاه پاسداران برای ۸۰ روز نگاه داشتند و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل نمودند. به وی امکان ارائه وثیقه داده نشد و تاریخ اولیه تشکیل دادگاه وی که در ۷ تیر ۱۳۸۹ بود به تعویق افتاد. وی عاقبت پس از آنکه به تحمل چهار سال حبس محکوم گردید، با سپردن وثیقه‌ای ۵۰٫۰۰۰ دلاری در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۸۹ آزاد شد.<sup>۲۰۰</sup>

### محاکمات غیابی

- در اردیبهشت ۱۳۸۹، شادی صدر، وکیل و روزنامه نگار، به دنبال دستگیری‌اش در اسفند ۱۳۸۵، به طور غیابی به شش سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید.<sup>۲۰۱</sup>
- در اردیبهشت ۱۳۸۹، کشور عضو، محبوبه عباسقلی زاده، فعال حقوق زنان را به طور غیابی محاکمه نموده و به تحمل حبس و شلاق محکوم نمود.<sup>۲۰۲</sup>

### عدم دسترسی به وکیل مدافع

۹۳- گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو در باره فرصتهایی سخن می‌گوید که در اختیار وکلا گذاشته شده تا با موکلین محبوس خود ملاقات داشته باشند و در مورد محل نگاهداری موکلین خود مطلع شوند.<sup>۲۰۳</sup> اما به هر حال، کشور عضو مرتباً در کار بازداشت شدگان برای مطلع نمودن وکلایشان از محل و وضعیت نگاهداری آنها دخالت می‌کند، چه برسد به فراهم آوردن امکان ملاقات خصوصی میان آنها.

<sup>۱۹۹</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۳۰-۳۱.

<sup>۲۰۰</sup> همان، صص. ۳۱-۳۲؛ «محبوبه کرمی پس از ۶ ماه در بازداشت: من تمام اتهاماتی که به من نسبت داده شده را، رد می‌کنم»، تغییری برای برابری، ۸ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در

<http://www.signforchange.info/english/spip.php?Article760>

<sup>۲۰۱</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۴.

<sup>۲۰۲</sup> همان، ص. ۳۷.

<sup>۲۰۳</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۲۴۹.

- قاضی صابر ظفرقندی، پس از دستگیری سیامک پورزند در آذر ۱۳۸۰، شیرین عبادی را از دفاع از پرونده وی منع نمود.<sup>۲۰۴</sup>
- روز پیش از نخستین جلسه دادرسی برای رسیدگی به پرونده سینا مطلبی، روزنامه نگار در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۲، قاضی ظفرقندی به این دلیل که وجود وکیل در مراحل اولیه رسیدگی ضرورتی ندارد، از پذیرش وکیل وی امتناع ورزید. روز بعد، مطلبی به قاضی ظفرقندی گفت که او هم تمایلی به داشتن وکیل ندارد زیرا پرونده او هنوز در مراحل اولیه است، و این نشان می‌دهد که مقامات، مطلبی را مجبور به تغییر درخواستش نمودند.<sup>۲۰۵</sup>
- در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸، عوامل اطلاعاتی فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی، اعضاء کمپین یک میلیون امضاء را در حالی که مشغول تحقیق در باره یک قتل ناموسی در قم بودند، دستگیر کردند. مقامات در طی ۱۲ روز بازداشت آنها، به ایشان اجازه دسترسی به وکیل را ندادند.<sup>۲۰۶</sup>
- به دنبال دستگیری حنیف مزروعی، روزنامه نگار اینترنتی در شهریور ماه ۱۳۸۳، وی به مدت دو ماه پس از دستگیری خود اجازه نیافت با یک وکیل یا با خانواده خود صحبت کند.<sup>۲۰۷</sup>
- پس از آنکه بازجویان فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان که در سال ۱۳۸۰ دستگیر گردید، بدون تفهیم اتهام به وی، شروع به پرسیدن سؤالاتی از وی نمودند، او تقاضا کرد وکیل داشته باشد و آنها از او پرسیدند: «فکر می‌کنی توی آمریکا زندگی می‌کنی؟»<sup>۲۰۸</sup>

۹۴- به بسیاری از ایرانیانی که پس از انتخابات خرداد ۱۳۸۸ دستگیر شدند، اجازه داده نشد به موقع به مشاوره حقوقی دسترسی یابند.

- دو شب پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، عوامل کشور عضو به منزل کیوان صمیمی بهبهانی، سردبیر ماهنامه نامه و عضو کمیته مرکزی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، یورش بردند. تقریباً برای سه ماه به وی اجازه داده نشد با وکیل خود ملاقات نماید و حتی پس از آن، یک بازجو در جلسات ملاقات وی با وکیلش حضور داشت. پس از آنکه صمیمی در طی این جلسات در باره آزار و اذیت‌های جسمانی شکایت کرد، کارکنان زندان دیگر بیش از این به وی اجازه ندادند با کسی تماس بگیرد یا ملاقات کننده داشته باشد.<sup>۲۰۹</sup>

<sup>۲۰۴</sup> «تمسخر عدالت»، رک. زیرنویس ۱۴۷، ص. ۲۲.

<sup>۲۰۵</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۲۷.

<sup>۲۰۶</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۱۵.

<sup>۲۰۷</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۲۹.

<sup>۲۰۸</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگراف ۱۸.

<sup>۲۰۹</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۶۳.

- مقامات به شادی صدر، وکیل، اجازه ندادند که پرونده موکلش شیوا نظری را بپند یا با او تماس بگیرد.<sup>۲۱۰</sup>
- سمیه رشیدی، فعال حقوق زنان و عضو کمپین یک میلیون امضاء در روز ۲۸ آذر ۱۳۸۸ دستگیر شده و تا ۶ اسفند ۱۳۸۸ در زندان اوین نگاهداری شد. در هنگام اقامتش در زندان، به وی اجازه دسترسی به وکیل داده نشد.<sup>۲۱۱</sup>

### محاکمت گروهی نمایشی به دنبال انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸

۹۵- به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، کشور عضو، پنج محاکمه نمایشی برگزار نمود. اگرچه این جلسات، «محاکمه» نامیده می‌شد، اما به جلسات محاکمات جزایی، آنطور که در حقوق بین‌الملل مفهوم است، کوچکترین شباهتی نداشت. این «محاکمات» شامل قرائت سندی می‌شد که دادستان آن را «کیفرخواست عمومی» می‌خواند، و به دنبال آن اعترافات چند متهم برگزیده، که اغلب بدون کمک گرفتن از وکلای منتخب خود اجرا شد. تعداد نامعلومی از متهمان، بعداً از محاکمات انفرادی برخوردار شدند، اما بسیاری از آنها، و چه بسا همگی آنها، بر اساس اعترافات اجباری‌شان حکم مجازات دریافت نمودند.<sup>۲۱۲</sup>

### اعترافات اجباری

- ۹۶- عوامل کشور عضو اغلب، بازداشت شدگان را بسیار پیش از آنکه به حضور قاضی برسند، به اعتراف به جرائم مجبور می‌کنند. بسیاری از اعترافات اجباری در تلویزیون پخش می‌شوند.
- در بهمن ۱۳۷۹، بازجوها سعی کردند فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان را مجبور به اعتراف به توطئه علیه دولت نمایند و به وی می‌گفتند در صورتی که اعتراف نکند، دیگر نخواهد توانست مادرش را دوباره ببیند.<sup>۲۱۳</sup>

<sup>۲۱۰</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۴.

<sup>۲۱۱</sup> همان، صص. ۳۱، ۴۴.

<sup>۲۱۲</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۷۴.

<sup>۲۱۳</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگراف‌های ۲۱، ۲۵.

- تلویزیون دولتی ایران در روز ۲ مرداد ۱۳۸۱ یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور سیامک پورزند که وحشت‌زده به نظر می‌رسید پخش کرد که وی در آن انکار نمود در زندان با وی بدرفتاری شده است. بعداً پورزند به دلیل آسیبهایی که در طی بازداشت به وی وارد شده بود و نیز به علت شرایط بد زندان، به شدت بیمار و در بیمارستان بستری شد. وی در سال ۱۳۸۳ دچار حمله قلبی گردید.<sup>۲۱۴</sup>
- در مرداد ۱۳۸۸، در سومین محاکمه گروهی نمایی، حسین اعزامی از شنیدن اینکه کیفرخواست وی به دادگاه اطمینان می‌داد وی اعتراف نموده است، متعجب شد. وی در بیاناتی که به وی اجازه داد در دادگاه اظهار نماید، گفت که نه تنها او از اعتراف امتناع ورزیده، بلکه در طی بازجویی، ارتکاب جرم را انکار نموده است.<sup>۲۱۵</sup>
- در طی همان محاکمه، دادستان که تنها حربه‌اش اعترافات نسبت داده شده به مجید مقیمی بود، وی را به تخریب اماکن عمومی، اقدام علیه امنیت ملی، و تبلیغ علیه دولت متهم نمود.<sup>۲۱۶</sup> مجید در تظاهرات پس از انتخابات شرکت کرده بود.
- به تانیا احمدی کلیجی، فعال حقوق زنان، هنگامی که در ۱۳۸۸ در بازداشت به سر می‌برد، داروهای مخدر دادند. هر بار که بیدار می‌شد، می‌دید که انگشتش جوهری است، که نشان می‌داد در حالت بیهوشی، وی به انگشت زدن در پای برگه اعتراف به اتهاماتی نامعلوم مجبور گردیده است.<sup>۲۱۷</sup>
- در ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، مقامات، مازیار بهاری، روزنامه نگار ایرانی-کانادایی مجله نیوزویک را دستگیر و مجبور نمودند که در یک کنفرانس مطبوعاتی به چندین جرم که مرتکب نشده بود، از جمله داشتن مدارک محرمانه، اعتراف نماید. وی پس از ۱۱۸ روز آزاد گردید و اعترافاتش را تکذیب نمود.<sup>۲۱۸</sup>
- یک سخنگوی دادگاه در فروردین ۱۳۸۴ معترف شد که روزنامه نگاران شهرام رفیع زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان، و سردبیر روزنامه، جواد غلام تمیمی همگی تحت فشار اعتراف نموده‌اند. با این وجود، آنها در ۱۳۸۸ به پرداخت جریمه و تحمل ضربات شلاق محکوم شدند.<sup>۲۱۹</sup>
- در بیش از سی جلسه طولانی بازجویی در طی پنجاه روز بازداشت در زندان اوین، بازجوها در تلاش برای مجبور کردن هنگامه شهیدی، روزنامه نگار و عضو کمپین یک میلیون امضاء، به اعتراف به شرکت در مجامع غیر قانونی و تبلیغ، به توهین و آزار و اذیت وی پرداختند.<sup>۲۲۰</sup>

<sup>۲۱۴</sup> «تمسخر عدالت»، رک. زیرنویس ۱۴۷، صص. ۲۹، ۳۷-۳۸.

<sup>۲۱۵</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۸۲.

<sup>۲۱۶</sup> همان، ص. ۸۳.

<sup>۲۱۷</sup> «شهادتنامه تانیا احمدی کلیجی»، رک. زیرنویس ۳۳، پاراگراف ۴۷.

<sup>۲۱۸</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۹۰.

<sup>۲۱۹</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۵.

<sup>۲۲۰</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۸.



۹۷- مقامات زندان مرتباً زندانیان را مجبور به نوشتن اظهارات دروغینی می‌کنند که می‌گویند با آنها بدرفتاری نشده است.

- جواد غلام تمیمی، سردبیر یک روزنامه اصلاح طلب، در روز ۲۷ مهر ۱۳۸۳ دستگیر گردید و مجبور به امضای اظهار نامه‌ای شد که بد رفتاری در زندان را تکذیب می‌نمود، که این برگه سپس از زندان اوین مستقیماً به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با دورنما (فکس) ارسال گردید.<sup>۲۲۱</sup>
- چندین زندانی که در حبس انفرادی نگاهداشته شده بودند، گزارش می‌دهند بازجوها به آنها گفتند یا در حبس انفرادی بمانند، یا اعتراف کنند، و یا توبه نموده و در نتیجه به بخش عمومی انتقال یابند.<sup>۲۲۲</sup>

### مصون بودن از رفتارهای غیر انسانی در حین بازداشت و شکنجه (مواد ۷ و ۱۰)

۹۸- ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شکنجه یا «رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز» را منع می‌نماید. ماده ۱۰ ملزم می‌دارد که با بازداشت شدگان «با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان» رفتار شود. متهمین باید جدا از محکومین نگهداشته شوند.

### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۹۹- در سال ۱۳۷۲ کمیته از کشور عضو خواست «اجرای دقیق» مواد ۷ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «اطمینان حاصل نماید». کمیته مجدانه درخواست نمود که تمامی شکایات مربوط به شکنجه، ربوده شدن، و بدرفتاری مورد تحقیق قرار گرفته و مرتکبین آن مجازات گردند، و اظهار داشت «اشکال شدید مجازات که مطابق با این میثاق نیستند باید از قوانین و عادات حذف گردند و شرایط بازداشت افرادی که از آزادی محروم می‌شوند باید بهبود یابد».<sup>۲۲۳</sup>

۱۰۰- کمیته حقوق بشر نگرانی خود را در باره «بسیاری از اعدامهای، ربوده شدن، شکنجه و بد رفتاریهای فراقضایی» اظهار نموده و خاطر نشان ساخت که شلاق و سنگسار با ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

<sup>۲۲۱</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۳۲.

<sup>۲۲۲</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۵۱.

<sup>۲۲۳</sup> «ملاحظات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف ۱۹.

سیاسی ناسازگار است. این کمیته قویاً از کشور عضو خواست سنگسار و شلاق را متوقف سازد و آموزش‌هایی برای مأموران دولتی و نیروهای انتظامی در زمینه حقوق بشر فراهم سازد.<sup>۲۲۴</sup>

۱۰۱- کمیته حقوق بشر همچنین از کشورهای گزارش دهنده خواسته است «اطلاعاتی در باره ... وضعیت برقراری ارتباط با محیط خارج (مانند خانواده، وکیل، خدمات اجتماعی و پزشکی، سازمانهای غیردولتی)» ارائه دهند.<sup>۲۲۵</sup>

۱۰۲- بر طبق گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو، قانون اساسی ایران «هتک حرمت و حیثیت» افرادی که بازداشت یا زندانی شده‌اند را ممنوع می‌کند و برای افرادی که حقوقشان ضایع گردیده امکان مطالبه غرامت مطابق قانون فراهم می‌نماید.<sup>۲۲۶</sup>

۱۰۳- ماده ۳۸ قانون اساسی ایران اظهار می‌دارد که «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع» ممنوع است.<sup>۲۲۷</sup>

#### شرایط غیر بهداشتی و نامناسب زندان

۱۰۴- شرایط در زندان اوین در تهران اغلب غیر بهداشتی و نامناسب است که این نقض ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد:

- در آذر ۱۳۸۱ به علت فقدان گرمای کافی در طول زمستان، یکی از فعالان دانشجویی در طی دوران بازداشت در زندان اوین، مبتلا به چرک گلو حاد شده و از مشکلات تنفسی رنج می‌برد.<sup>۲۲۸</sup>

<sup>۲۲۴</sup> همان، پاراگراف‌های ۱۰، ۱۱، ۱۹.

<sup>۲۲۵</sup> کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۲۱، «ماده ۱۰: رفتار انسانی با افرادی که آزادی خود را از دست داده‌اند» [Article 10: *Humane treatment of persons deprived of their liberty*], پاراگراف ۱۲، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.9.

<sup>۲۲۶</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۴۵۱.

<sup>۲۲۷</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۶۰.

<sup>۲۲۸</sup> «شهادتنامه مهدیس» [نام مستعار]، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۳۰ فوروردین ۱۳۸۹)، پاراگراف ۱۳، قابل دسترسی در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Mahdis%20-%20EN.pdf>

- در سال ۱۳۸۱، کارکنان زندان گازی را در فضای آنجا منتشر ساختند (احتمالاً گاز تینسر) که باعث بیماری زندانیان شد، و تنها پس از یک ساعت پنجره را برای تهویه باز نمودند.<sup>۲۲۹</sup>
  - بخش قرنطینه، علاوه بر تعفن شدید، فقط دارای دو دستشویی برای بیش از ۱۰۰۰ زندانی بود.<sup>۲۳۰</sup>
  - زندانیان مجبور به خوابیدن در راهروها و سلول‌هایی شده‌اند که جمعیت آنها بیش از ظرفیت بوده است.<sup>۲۳۱</sup>
  - یک زندانی در بخش ۳۲۵ اوین گزارش کرد که کارکنان زندان با بی‌توجهی نسبت به درخواست زندانیان برای رفتن به دستشویی، آنان را به این طریق مورد اذیت قرار میدادند.<sup>۲۳۲</sup>
- ۱۰۵- بازداشت شدگان در زندان غیر قانونی ۵۹، از جمله فعال دانشجویی، علی افشاری، که در سال ۱۳۸۰ بازداشت شد، این زندان را محلی فاقد نور، هوای تازه و غذای کافی توصیف می‌کنند. همچنین بازداشت شدگان را مجبور می‌کردند که در سکوت کامل به سر ببرند.<sup>۲۳۳</sup>
- ۱۰۶- یک فعال سیاسی که در سال ۱۳۸۷ در بازداشتگاه قزل حصار محبوس گردید اظهار داشت که در زمستانها هیچ منبع حرارتی و در تابستانها نیز هیچ سیستم تهویه‌ای وجود نداشت، و شپش مشکل عمده‌ای بود که زندانیان نمی‌توانستند از آن اجتناب نمایند، زیرا تنها یک بار در هفته می‌توانستند استحمام نمایند.<sup>۲۳۴</sup>
- ۱۰۷- مقامات بسیاری از تظاهر کنندگان پس از انتخابات ۱۳۸۸ را به بازداشتگاه کهریزک فرستادند، که در آن برخی و شاید همه از داشتن محل خواب، غذا، آب و دسترسی به توالت محروم بودند. افراد بازداشت شده گزارش کردند که همه را در سلولهای تاریک و پر ازدحام نگاه می‌داشتند.<sup>۲۳۵</sup> ابراهیم علی مهتری، یک دانشجوی ۲۷ ساله که در مرداد ۱۳۸۸ دستگیر شده بود، گزارش کرد که بازداشتگاه از خون، استفراغ، مدفوع و ادرار پوشیده شده بود و پتویی که نگهبانان به وی داده بودند از لخته‌های خون دیگران پر شده بود.<sup>۲۳۶</sup>

<sup>۲۲۹</sup> همان، پاراگراف ۱۷.

<sup>۲۳۰</sup> «شهادتنامه کوروش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف ۱۲.

<sup>۲۳۱</sup> همان.

<sup>۲۳۲</sup> «شهادتنامه محسن سازگارا»، رک. زیرنویس ۳۹، پاراگراف ۲۰.

<sup>۲۳۳</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۳۱.

<sup>۲۳۴</sup> «شهادتنامه علی کاتوری»، رک. زیرنویس ۵۳، پاراگراف ۳۳.

<sup>۲۳۵</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۴۹، ۵۸.

<sup>۲۳۶</sup> همان، ص. ۴۷.

## عدم دسترسی به مراقبت‌های پزشکی

۱۰۸- کشور عضو مرتباً از در اختیار گذاشتن مراقبت‌های کافی پزشکی برای زندانیان امتناع می‌ورزد:

- در تابستان سال ۱۳۷۹، نگهبانان از فراهم نمودن مراقبت‌های پزشکی برای کورش صحتی که پایش شکسته بود، حتی پس از آنکه خودش داوطلب شد هزینه درمان را بپردازد، خودداری نمودند.<sup>۳۳۷</sup>
- امید رضا میرصیافی، وبلاگ نویس، که به جرم اشاعه تبلیغات در سال ۱۳۸۷ دستگیر شد، به علت فقدان مراقبت‌های پزشکی مناسب، در ۸ فروردین ۱۳۸۸ درگذشت.<sup>۳۳۸</sup>
- نرگس محمدی، فعال حقوق زنان، در سال ۱۳۸۹ در زندان اوین در سلول انفرادی نگاه داشته شد بطوریکه مشکل ریوی وی تشدید شد. وی دچار معلولیت شد، چندین بار بیهوش شد، و در نتیجه شرایط زندان اوین، حدوداً ۱۴ بار از حال رفت. حد اقل در یکی از موارد، محمدی از حال رفته و از هفت پله به پایین سقوط کرد. بازجوها به جای آنکه مراقبت‌های پزشکی در اختیارش قرار دهند، وی را با صندلی چرخدار به اطاق بازجویی بردند.<sup>۳۳۹</sup>
- فقدان مراقبت‌های پزشکی مناسب، مستقیماً دلیل مرگ حداقل سه تن از زندانیانی است که در سال ۱۳۸۸ در بازداشتگاه کهریزک نگاهداری شده‌اند.<sup>۳۴۰</sup> پس از آنکه نگهبانان با باتوم، گاز اشک آور، گلوله‌های پلاستیکی و تفنگ‌های بادی، به معترضان پس از انتخابات حمله کردند، آنها را از دریافت مراقب‌های پزشکی محروم ساختند. محسن روح‌الامینی، امیر جوادی‌فر، و محمد کامرانی هجده ساله در کهریزک جان باختند.<sup>۳۴۱</sup>

## عدم دسترسی به خانواده

۱۰۹- کارکنان زندان و بازداشتگاهها غالباً بازداشت شدگان سیاسی را از تماس با خانواده‌هایشان یا ملاقات با آنها محروم می‌کنند.<sup>۳۴۲</sup>

<sup>۳۳۷</sup> «شهادتنامه کورش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف ۱۲.

<sup>۳۳۸</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۴۱.

<sup>۳۳۹</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۰.

<sup>۳۴۰</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۵۷.

<sup>۳۴۱</sup> همان، صص. ۵۰-۴۹.

<sup>۳۴۲</sup> کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۲۱، «ماده ۱۰: رفتار انسانی با افرادی که آزادی شان را از دست داده‌اند» [Article

10: *Humane treatment of persons deprived of their liberty*], پاراگراف ۱۲، سند سازمان ملل

HRI/GEN/1/Rev.9

- مقامات به خانواده امیر فرشاد ابراهیمی (که در سال ۱۳۷۹ دستگیر شد)، عمداً آدرسهای اشتباه برای بازداشتگاهها می دادند.<sup>۲۴۳</sup>
- در اسفند ۱۳۷۹ هنگامی که کورش صحتی، فعال دانشجویی از یکی از شعب دادگاه انقلاب خواست که به خانواده اش خبر بدهند که وی را در چه محلی محبوس نموده اند، قاضی پاسخ داد دادگاه فقط زنده بودن وی را خبر خواهد داد، اما چون پرونده او مربوط به امور امنیتی است، محل نگاهداری او را فاش نخواهد ساخت.<sup>۲۴۴</sup>
- خانواده انصافعلی هدایت، روزنامه نگار و فعال (که در خرداد ۱۳۸۲ دستگیر شد)، در کلاترپها و بازداشتگاهها، از مقامات در مورد وی پرس و جو می کردند، اما مقامات، بازداشت شخصی با مشخصات هدایت را انکار می کردند.<sup>۲۴۵</sup>
- به دنبال دستگیری سیامک پورزند، روزنامه نگار در نوامبر ۱۳۸۰، مقامات تا دو هفته پس از ربوده شدن وی، به خانواده وی اطلاع ندادند که او را در چه محلی محبوس نموده اند یا چه بر سر وی آمده است. کشور عضو هنوز علناً فاش نساخته است پورزند تا پیش از انتقالش به زندان اوین در کجا محبوس بوده است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران معتقد است او را در سه یا بیش از سه زندان مخفی نگه داشتند.<sup>۲۴۶</sup>
- علی افشاری در طی دو ماه و نیم نخست بازداشتش در زمستان ۱۳۷۹ اجازه نیافت با خانواده اش تماس بگیرد. در طی اولین ملاقات، به محض اینکه خانواده اش پرسیدند وضع او در زندان چگونه است، نگهبانان وقت ملاقات وی را خاتمه دادند.<sup>۲۴۷</sup>
- یکی از خانمهای بازداشت شده، در پی دستگیری اش در آذر ۱۳۸۱، تنها ده روز پس از بازداشت خود توانست به خانواده اش اطلاع دهد در زندان اوین به سر می برد، آن هم فقط به این دلیل که یکی از بازجوها تلفن همراهش را به وی قرض داد.<sup>۲۴۸</sup>
- در سال ۱۳۸۸، محمد علی ابطحی، معاون ریاست جمهوری سابق و اصلاح طلب برجسته، در حالت بیماری تا چهل و سه روز پس از دستگیری اش اجازه نیافت همسر و دخترانش را ملاقات نماید.<sup>۲۴۹</sup>

<sup>۲۴۳</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، صص. ۳۷، ۵۸.

<sup>۲۴۴</sup> «شهادتنامه کوروش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف ۱۹.

<sup>۲۴۵</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۳۷.

<sup>۲۴۶</sup> مقامات زندان مجدداً پورزند را پس از به هوش آمدن کتک زدند. «تمسخر عدالت»، رک. زیرنویس ۱۴۷، صص. ۳، ۱۸.

<sup>۲۴۷</sup> «شهادتنامه علی افشاری»، رک. زیرنویس ۶۸، پاراگراف ۶۶.

<sup>۲۴۸</sup> «شهادتنامه مهدیس»، رک. زیرنویس ۲۲۸، پاراگراف ۳۱.

<sup>۲۴۹</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۶۸، ۸۸.

- شیوا نظرآهاری، فعال حقوق زنان تا حدود دو ماه پس از دستگیری‌اش در آذر ۱۳۸۸، اجازه نداشت با خانواده‌اش صحبت کند، و حتی پس از آن به وی اجازه دادند به مدت کمتر از یک دقیقه با تلفن صحبت کند.<sup>۲۵۰</sup>
- فروغ میرزایی، وکیل و فعال حقوق بشر، در دی ماه ۱۳۸۸ دستگیر شد و در طی نخستین سی و پنج روز بازداشت وی، خانواده‌اش هیچ اطلاعی از محل نگهداری و شرایط او نداشتند.<sup>۲۵۱</sup>
- محبوبه عباسقلی‌زاده فعال با سابقه حقوق زنان در طی ۱۵ روز بازداشت در اسفند ماه ۱۳۸۵، اجازه نیافت با خانواده‌اش دیدار کند.<sup>۲۵۲</sup>
- اقدم دوست، فعال حقوق زنان، از زمان دستگیری‌اش در اسفند ۱۳۸۸، هنوز نتوانسته با خانواده‌اش ملاقات نماید.<sup>۲۵۳</sup>

۱۱۰- کارکنان زندان از تماس زندانیان با خانواده‌هایشان برای منزوی کردن هر چه بیشتر زندانیان و اجبار آنها به اعتراف به اتهامات دروغین استفاده می‌کنند.

- فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان به دنبال دستگیری‌اش در ۱۳۸۰، تنها به دستور اعضای نهادهای اطلاعاتی موازی اجازه داشت با خانواده‌اش تماس بگیرد. وی تحت کنترل و نظارت آنها به شوهرش گفت که احتیاجی به وکیل ندارد و از او خواست که دیگر در باره وضعیت وی مصاحبه‌ای نکند و از سازمانهای حقوق بشر درخواست کمک ننماید.<sup>۲۵۴</sup>
- بازجوها با پدر تانیا احمدی کلیچی تماس گرفته و از او خواستند به صداهای دخترشان که در حال شکنجه شدن بود، گوش فرا دهد. شوک شنیدن صدای دخترش که در حال درد کشیدن بود، به حدی شدید بود که پدر وی دچار حمله قلبی شد.<sup>۲۵۵</sup>
- در ۶ فروردین ۱۳۸۸ مقامات دوازده فعال حقوق زنان، از جمله اعضای کمپین یک میلیون امضاء را در حالیکه در تلاش بودند تا با اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی در تهران ملاقات نمایند، دستگیر نمودند. مأموران آنها را به زندان اوین انتقال دادند و در آنجا آنها را به اخلال در نظم و افکار عمومی متهم ساختند.<sup>۲۵۶</sup>

<sup>۲۵۰</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۴.

<sup>۲۵۱</sup> همان، ص. ۳۵.

<sup>۲۵۲</sup> همان، ص. ۹.

<sup>۲۵۳</sup> همان، ص. ۱۴.

<sup>۲۵۴</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۳۸.

<sup>۲۵۵</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۷.

<sup>۲۵۶</sup> همان، ص. ۱۵.

۱۱۱- خانواده زندانیانی که در زندان جان می‌سپارند، اغلب از اقامه دعوی علیه مقامات زندان منع می‌شوند. آنها اغلب برای گرفتن جسد خویشاوندشان باید اظهارنامه‌ای را امضاء کنند که مقامات را از هر گونه قصوری مبرا می‌کند، و این بر طبق ماده ۲ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مستقیماً نقض حقوق آنها برای مطالبه هر گونه غرامت می‌باشد.<sup>۲۵۷</sup>

#### استفاده از سنگسار و شلاق به عنوان شکنجه

۱۱۲- کشور عضو به استفاده از سنگسار و شلاق زدن به عنوان مجازات ادامه می‌دهد، که این نقض مواد ۷ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد.

- دادگاه انقلاب در تهران، شادی صدر، وکیل و فعال حقوق بشر را علاوه بر شش سال حبس به تحمل ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم نمود.<sup>۲۵۸</sup>
- سکینه محمدی آشتیانی اخیراً به سنگسار محکوم شد و مجازاتش به دلیل فشارهای بین‌المللی به اعدام با طناب دار تخفیف یافت.<sup>۲۵۹</sup>

#### استفاده از شکنجه و بد رفتاری به عنوان مجازات و سرکوب

۱۱۳- افراد بازداشت شده اغلب گزارش می‌کنند که در زندانها و بازداشتگاههای ایران شکنجه شده‌اند و یا شاهد شکنجه دیگران بوده‌اند:

- رضا آزاد، فعال سیاسی پیش از آزادیش در ۱۳۷۶ در زندان مورد حمله سه یا چهار زندانبان که تیغ موکت‌بری در دست داشتند قرار گرفت. چند نفرشان «آزاد» را نگهداشته و چند نفر دیگر شکمش را

<sup>۲۵۷</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۵۰.

<sup>۲۵۸</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۴۴.

<sup>۲۵۹</sup> دیوید مونترو، «ایران مجازات سنگسار آشتیانی برای زنان محصنه را به آویختن به دار تغییر داده است»، کریشن ساینس مانیتور [David Montero, *Iran changes Ashtiani stoning sentence for adultery to hanging*, CHRISTIAN SCIENCE MONITOR, ۲۲ مرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.csmonitor.com/World/terrorism-security/2010/0813/Iran-changes-Ashtiani-stoning-sentence-for-adultery-to-hanging>].

می‌بریدند. او از هوش رفت و بعداً در کلینیک زندان در حالیکه به وی خون تزریق می‌کردند، به هوش آمد.<sup>۲۶۰</sup>

- هنگامی که امیر فرشاد ابراهیمی، در سال ۱۳۷۸ در یک بازداشتگاه غیر قانونی نگاهداشته می‌شد، وقتی شکنجه‌گرانش یک کیسه روی سرش کشیده و حدود نیم ساعت او را زیر ضربات مشت و لگد گرفته بودند، تقریباً خفه شد. همچنین او را برای چند ساعت به صورت وارونه آویزان کرده بودند. او توانست یکی از حمله‌کنندگان به نام سرهنگ اکبر شرفی از اداره اطلاعات نیروهای انتظامی را شناسایی نماید.<sup>۲۶۱</sup>

- شهرام رفیع‌زاده، روزنامه‌نگار، پس از دستگیری‌اش در سال ۱۳۸۳، مکرراً توسط زندانبانان مورد ضرب و شتم قرار گرفت، بطوریکه اقلماً یکبار در یکی از این دفعات از هوش رفت. نگهبانان با کابل به کف پاهایش می‌زدند، و در طول بازجوییها هرگاه مقاومتی از خود نشان می‌داد به تمام بدنش شلاق می‌زدند، یک لگن شستشو را بر روی سرش خورد کردند و آنقدر با مشت به صورتش می‌زدند تا از هوش می‌رفت.<sup>۲۶۲</sup>

- آرش سیگارچی، روزنامه‌نگار، در یک بازداشتگاه مخفی در سال ۱۳۸۳ به طرق مختلف تحت شکنجه قرار گرفت. وی را از یک پنکه سقفی چرخان آویزان کردند، مجبورش کردند به مدت سه روز در هوای یخبندان در بیرون ساختمان بایستد، به کف پاهایش شلاق زده و ناخنهای پایش را کشیدند. سیگارچی نوع دیگری از شکنجه که بر وی وارد شد به نام «جوجه کباب» را توصیف می‌کند. «آنها مچ دستهایم را بین مچ پاهایم بستند و سپس یک میله آهنی از میان آن عبور دادند. سپس بازوها و پاهایم را به آن میله بستند و مرا به صورت وارونه معلق آویزان کردند.» در دی ماه ۱۳۸۳ وی را تهدید کردند اگر حاضر به ضبط یک نوار اعترافات اجباری نشود، وی را اعدام خواهند کردند.<sup>۲۶۳</sup>

- علی کانتوری، فعال حقوق بشر، با باتوم برقی شکنجه شده و هنگامی که به سؤالات بازجویان مطابق میل آنها پاسخ نمی‌داد، وی را مجبور می‌کردند کتک خوردن دوستانش را نظاره کند.<sup>۲۶۴</sup>

- معترضان به انتخابات ۱۳۸۸ در بازداشتگاه کهریزک در تهران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، دستها و پاهایشان را با قیر سوزاندند، دندانهایشان را شکستند، آنها را در معرض اعدامهای ساختگی قرار

---

<sup>۲۶۰</sup> «شهادتنامه رضا آزاد»، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۴ ش. هریور ۱۳۸۹)، قابل دسترس در

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Reza%20Azad.pdf>

<sup>۲۶۱</sup> «ارباب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۵۹.

<sup>۲۶۲</sup> همان، ص. ۵۷.

<sup>۲۶۳</sup> «شهادتنامه آرش سیگارچی»، رک. زیرنویس ۱۳، پاراگراف‌های ۱۳-۱۲؛ «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص.

<sup>۳۹</sup>.

<sup>۲۶۴</sup> «شهادتنامه علی کانتوری»، رک. زیرنویس ۵۳، پاراگراف‌های ۲۵، ۲۷.



دادند، مورد تجاوز قرار گرفتند، استخوانهایشان را شکستند، و ناخن پایهایشان را کشیدند. برای مثال مأموران استخوانهای امیر جوادی فر را شکستند و ناخن پایهایشان را کشیدند.<sup>۲۶۵</sup>

- در سال ۱۳۸۸ در زندان اوین، نیروهای امنیتی یکی از معترضین به نام کیوان صمیمی بهبهانی را آنچنان زدند که مجبور شدند وی را به درمانگاه زندان انتقال دهند.<sup>۲۶۶</sup>
- در آبان ۱۳۸۸، مأموران لباس شخصی ناشناس با استفاده از باتوم به طور وحشیانه‌ای به آیدا سعادت، فعال حقوق زنان حمله کردند. سعادت در آن ایام، مهدی کروی، رهبر اصلاح طلب را از هشت مورد تجاوز جنسی به معترضین پس از انتخابات که در زندان کهریزک در بازداشت بسر برده بودند مطلع ساخته بود و این سرآغاز تحقیقاتی در مورد اداره این مرکز و کارکنان آن شده بود. این واقعه که افراد ضارب سعادت را تهدید کرده بودند که او هم به سرنوشت «همان هشت تن» دچار خواهد شد، احتمالاً اشاره‌ای به همان هشت مورد تجاوز در کهریزک بوده و نشان می‌دهد که این افراد، مأموران کشور عضو بوده‌اند.<sup>۲۶۷</sup>

#### استفاده از تجاوز جنسی به عنوان شکنجه

۱۱۴- بازجویان کشور عضو از آزارهای جنسی، از جمله تجاوز، برای تحت فشار گذاشتن زندانیان برای همکاری با آنها و یا به عنوان تنبیه استفاده می‌کنند. بر طبق گفته یکی از اعضای سابق بسیج، تجاوز کردن برای بعضی از اعضای بسیج و سپاه، پاداش محسوب می‌شد.<sup>۲۶۸</sup>

- «مهدیس» یکی از زنان بازداشت شدگان که پس از شرکت در اعتراضات جنبش دانشجویی در سال ۱۳۸۱ دستگیر شد، برای سه روز به طور وحشیانه در زندان اوین به وی تجاوز شد. بازجویان متجاوز، او را تهدید می‌نمودند که اگر در این باره به کسی سخنی بگوید، خانواده‌اش را خواهند کشت و هنگامی که وی دچار خونریزی شد، از کمک به او امتناع ورزیدند.<sup>۲۶۹</sup>
- «متین یار»، یک مرد همجنس‌گرای جوان بود که در حین بازداشتش در سال ۱۳۸۶، توسط بازجویانش مورد تجاوز قرار گرفت.<sup>۲۷۰</sup>

<sup>۲۶۵</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۴۹.

<sup>۲۶۶</sup> همان، ص. ۶۳.

<sup>۲۶۷</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۲۶-۲۸.

<sup>۲۶۸</sup> همان، ص. ۴۵.

<sup>۲۶۹</sup> «شهادتنامه مهدیس»، رک. زیرنویس ۲۲۸، پاراگراف ۲۶.

<sup>۲۷۰</sup> «شهادتنامه متین یار» [نام مستعار]، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شهادت دهنده رسیده است. (۱۳ مه ۱۳۸۹)، قابل دسترس در

- به دنبال دستگیری مریم صبری در تیر ماه ۱۳۸۸، بازجویان مختلفی حداقل چهار بار به مریم صبری تجاوز کردند.<sup>۲۷۱</sup>
- در سال ۱۳۸۸، دو مأمور لباس شخصی به بیمارستانی که تانیا احمدی کلیجی در آن کار می‌کرد رفتند. آنها وی را به محلی مخفی برده و وی را مورد بازجویی قرار دادند. چند مرد او را نگه داشته، و در حالی که او را با زنجیر می‌زدند و باتوم برقی را روی گوشت بدنش فشار می‌دادند، از وی سؤال می‌کردند. آنها وی را متهم کردند که با گروه‌های چپی خارج از کشور مرتبط بوده و به توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی کمک می‌کرده است. یکی از بازجوها سینه‌هایش را لمس می‌کرد و آنها وی را تهدید به تجاوز می‌کردند. بازجوها دو یا سه بار وی را مجبور به بلعیدن قرصهای ناشناخته‌ای کردند که حدس می‌زند قرصهای آرام بخش بودند زیرا وی از هوش رفت. هنگامی که به هوش آمد، تمام بدنش درد می‌کرد و از بین پایهایش خون می‌چکید. او هنوز هم نمی‌داند آیا به وی تجاوز شده است یا نه.<sup>۲۷۲</sup>
- یکی از بازجویان زندان اوین به امید معماریان، روزنامه نگار، گفت «انشاءالله بالاخره دامادت می‌کنند». معماریان می‌دانست بازجوها این را به زندانیانی می‌گویند که قرار است مورد تجاوز قرار گیرند.<sup>۲۷۳</sup>
- متعاقب دستگیری سید علی اکبر خردنژاد در ۱۸ تیر ۱۳۸۸ برای شرکت در تظاهرات پس از انتخابات، بازجوها وی را تهدید به تجاوز کردند.<sup>۲۷۴</sup>

#### استفاده از حبس انفرادی به عنوان شکنجه

۱۱۵- کمیته حقوق بشر تشخیص داده است که حبس انفرادی طویل‌المدت می‌تواند نقض ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب گردد.<sup>۲۷۵</sup> کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود اظهار داشته است که از سال ۱۳۸۰، «حبس انفرادی به عنوان مجازات انضباطی حذف گردیده است» و زندانیان می‌توانند «حداکثر تا ۲۰ روز با نظارت قاضی زندان در سلول انفرادی» نگاه داشته شوند.<sup>۲۷۶</sup>

<http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/Witness%20Statement%20of%20Matin%20Yar%20-%20EN%20-.pdf>.

<sup>۲۷۱</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۴۶.

<sup>۲۷۲</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۳۶-۳۷.

<sup>۲۷۳</sup> «اعتراف اجباری»، رک. زیرنویس ۴۰، ص. ۳۱.

<sup>۲۷۴</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۴۴.

<sup>۲۷۵</sup> کمیته حقوق بشر [Human Rights Committee]، تفسیر عمومی شماره ۲۰، «ماده ۷: رهایی از شکنجه» [Article 7:

*Freedom from Torture*], پاراگراف ۶، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.9.

<sup>۲۷۶</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۲۶۹.

۱۱۶- در سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۷ مجمع عمومی سازمان ملل و گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه، موضوع استفاده از سلول انفرادی در ایران را مورد توجه قرار داد.<sup>۲۷۷</sup>

۱۱۷- بازداشت شدگان سابق همگی سلولهای انفرادی را مانند کمد یا تابوت توصیف می‌کنند؛ بعضی از سلولها به حدی کوچک هستند که بنا به گزارش بازداشت شدگان، آنها مجبور بودند برای به عقب برگشتن، عقب عقب حرکت کنند زیرا فضای کافی برای چرخیدن وجود نداشت.<sup>۲۷۸</sup> شیوا نظرآهاری، یک فعال حقوق زنان که در آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد، سلول انفرادی‌اش را «قفس مانند» توصیف می‌کند؛ وی به سختی می‌توانست پایها یا بازوانش را تکان دهد.<sup>۲۷۹</sup>

۱۱۸- کشور عضو بسیاری از فعالان سیاسی، فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران، و دیگر زندانیان سیاسی را برای بیش از بیست روز متوالی در سلول انفرادی نگاه داشته است.

- کوروش صحتی، یک دانشجوی سابق مهندسی کشاورزی در دانشگاه ورامین و عضو جبهه متحد دانشجویی، در سال ۱۳۷۹، به مدت یک ماه در زندان اوین در سلول انفرادی به سر برده است. صحتی دوباره در سال ۱۳۸۰ دستگیر شد، و هفت تا هشت ماه را در یک بازداشتگاه مخفی در سلول انفرادی گذراند.<sup>۲۸۰</sup>

- در سال ۱۳۸۲، شعله سعدی، پروفیسور حقوق و روزنامه نگار پس از انتشار نامه‌ای سرگشاده به علی خامنه‌ای بر روی اینترنت، که در آن صلاحیت روحانی وی را مورد سؤال قرار داده بود، دستگیر شد. وی برای چندین هفته در زندان اوین در سلول انفرادی نگاه داشته شد و تنها پس از پذیرش ارائه اعترافات ویدئویی، آزاد گردید.<sup>۲۸۱</sup>

- در سال ۱۳۸۲، انصافعلی هدایت، روزنامه نگار، بیست و هشت روز را در سلول انفرادی گذراند.<sup>۲۸۲</sup> وی مجدداً در سال ۱۳۸۳ دستگیر شد و در طی شانزده ماه حبس خود، هفتاد و چهار روز را در سلول انفرادی گذراند.

- در سال ۱۳۸۲، محسن سازگارا برای پنجاه و نه روز در بند ۳۲۵ زندان اوین در سلول انفرادی نگاه داشته شد.<sup>۲۸۳</sup>

<sup>۲۷۷</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۵۷.

<sup>۲۷۸</sup> «ارعاب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۵۰.

<sup>۲۷۹</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۲۴.

<sup>۲۸۰</sup> «شهادتنامه کوروش صحتی»، رک. زیرنویس ۳۷، پاراگراف‌های ۱، ۱۴، ۱۱، ۱۶.

<sup>۲۸۱</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۲۶.

<sup>۲۸۲</sup> «ارعاب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، ص. ۱۸.

- در سال ۱۳۸۳، مقامات، شهرام رفیع زاده، نویسنده و سردبیر یک روزنامه اصلاح طلب را دستگیر کرده و برای هفتاد و سه روز وی را در یک محل ناشناخته در سلول انفرادی نگاه داشتند.<sup>۲۸۴</sup>
- در سال ۱۳۸۳، حنیف مزروعی، وبلاگ نویس و فعال سیاسی، پنجاه و نه روز از شصت و شش روز حبس خود را در یک سلول انفرادی به مساحت سه متر مربع گذراند.<sup>۲۸۵</sup>
- در سال ۱۳۸۳، مجتبی سمیع نژاد، دانشجویی که در دفاع از روزنامه نگاران اینترنتی، وبلاگ نویسی کرده بود، به مدت هشتاد و هشت روز در سلول انفرادی نگاه داشته شد.<sup>۲۸۶</sup>
- مقامات در سال ۱۳۸۶، کیان تاجبخش، محقق ایرانی - آمریکایی را برای تقریباً یک ماه در سلول انفرادی نگاه داشتند.<sup>۲۸۷</sup>
- در سال ۱۳۸۷، علی کانتوری، فعال حقوق بشر و حقوق کارگر را برای بیست و پنج روز در سلول انفرادی نگاه داشتند.<sup>۲۸۸</sup>
- هنگامه شهیدی، فعال حقوق زنان، متعاقب دستگیری خود در خرداد ۱۳۸۸، به مدت پنجاه روز در بند ۲۰۹ زندان اوین در سلول انفرادی نگهداشته شد.<sup>۲۸۹</sup>

## شکنجه روانی و اعترافات اجباری

۱۱۹-نگهبانان و بازجوها زندانیان را شکنجه روانی می دهند.

- یکی از بازجوها در زندان ۵۹ به یک بازداشتی جدید گفت «اینجا مثل زندانهای دیگر نیست ... یا هر چه به تو می گویند انجام می دهی یا می میری» و تهدید کرد که خانواده شخص بازداشت شده را دستگیر و شکنجه خواهد کرد.<sup>۲۹۰</sup>
- بازجوها عمداً با متهم کردن دختر نه ساله فریبا داوودی مهاجر به انجام «اعمال قبیحه»، «یک محیط روانی بی نهایت زجرآوری ایجاد کرده بودند»؛ فریبا را در اتاقی که یک نوار ضبط شده بطور مداوم

<sup>۲۸۳</sup> «شهادتنامه محسن سازگارا»، رک. زیرنویس ۳۹، پاراگرافهای ۳۰، ۳۳، ۳۷.

<sup>۲۸۴</sup> «Ctrl+Alt+Delete»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۲۸.

<sup>۲۸۵</sup> همان، ص. ۶۱.

<sup>۲۸۶</sup> همان، ص. ۳۵.

<sup>۲۸۷</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۷۲.

<sup>۲۸۸</sup> «شهادتنامه علی کانتوری»، رک. زیرنویس ۵۳، پاراگراف ۲۳.

<sup>۲۸۹</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۳۸.

<sup>۲۹۰</sup> «شهادتنامه علی افشاری»، رک. زیرنویس ۶۸، پاراگرافهای ۴۷، ۵۵.

تکرار می‌کرد «ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد» تنها می‌گذاشتند و وی را برای مرگ احتمالی مادرش مقصر می‌دانستند.<sup>۲۹۱</sup>

- سیامک پورزند، روزنامه نگار پس از سالها بازجویی در بازداشتگاههای مخفی مختلف، آنچنان روحیه‌اش خراب شده بود که تصمیم به خودکشی گرفت، اما هنگامی که به هوش آمد دوباره مأموران زندان شروع به کتک زدن وی نمودند.<sup>۲۹۲</sup>
- شادی صدر، وکیل، پس از بازداشت شدن در اردیبهشت ۱۳۸۸، تحت جلسات بازجویی طولانی مدت قرار گرفت که طی آن او را مسخره می‌کردند. مدت کوتاهی پیش از آزادی وی، بازجوها چشمانش را بسته و او را در اطاقی نگاه داشتند که او در آن می‌توانست صدای فریاد و ناله افرادی را که مورد ضرب و شتم قرار داشتند بشنود. از میزان صداها او حدس می‌زد که در اطاقی قرار دارد که حدود پانزده تا بیست نفر در آن حضور دارند. اطاق، از بلندی صداها، اسلحه‌ها، باتومها، و شلاقهایی که به گوشت بدن آنها می‌خورد، به لرزه درآمده بود. پس از آنکه بازجوها صدر را مجبور کردند حدود یک ساعت به این ضرب و شتمها گوش دهد، او را برای بازجویی به اطاقی دیگر بردند.<sup>۲۹۳</sup>

#### فقدان غرامت برای قربانیان شکنجه و بدرفتاری

۱۲۰- در سال ۱۳۸۳ رئیس قوه قضاییه دستورالعملی برای قضات و نیروی انتظامی و مقامات رسمی زندانها صادر کرد - که بعداً به قانون حقوق شهروندی معروف شد - و شکنجه افراد توسط عوامل دولتی را صراحتاً منع می‌کرد. از آنجا که این دستورالعمل تنها مقررات موجود در قانون اساسی و آیین‌نامه دادرسی کیفری را دوباره تأیید می‌کرد، احتمال دارد که این دستورالعمل در پاسخ به گزارشهای بیشماری از بازداشتها و شکنجه‌های خودسرانه بوده است که در آن زمان آشکار شده بود.<sup>۲۹۴</sup>

۱۲۱- اما به هر حال کشور عضو به انکار خود در مورد گسترده بودن شکنجه و تحت حمایت بودن آن توسط دولت ادامه داده و سعی دارد بر موارد شکنجه سرپوش بگذارد. برای مثال، وقتی محسن روح‌الامینی در بازداشتگاه کهریزک فوت کرد، دکتر رامین پوراندرجانی علت مرگ وی را شرایط بسیار نامناسب و «ضربات مکرر به سر و بدن با شیئی سخت» دانست. مدت کوتاهی پس از آن، این پزشک را تهدید کردند زیرا گزارش او تأیید می‌کرد که کارکنان زندان بازداشت شدگان را مورد آزار و اذیت قرار

<sup>۲۹۱</sup> «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، رک. زیرنویس ۱۵، پاراگرافهای ۲۱، ۲۳-۲۴.

<sup>۲۹۲</sup> «تمسخر عدالت»، رک. زیرنویس ۱۴۷، ص. ۳۱.

<sup>۲۹۳</sup> «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۳۶-۳۵.

<sup>۲۹۴</sup> «ارعاب پنهانی»، رک. زیرنویس ۹، صص. ۱۳-۱۴.

داده‌اند، وی در ۱۹ آبان ۱۳۸۸ درگذشت. مقامات، گزارش خود را در باره علت مرگ این پزشک بیست و شش ساله تغییر دادند. ابتدا گفتند وی در خواب مرده است، سپس گفتند او خودکشی کرده است، و بالاخره اینکه از خوردن سالاد مسموم فوت کرده است.<sup>۲۹۵</sup>

۱۲۲- پس از آنکه گزارشهایی در باره آزار زندانیها در این بازداشتگاه درز کرد و به رهبران اصلاح طلب رسید، هم نیروهای مسلح و هم کمیته‌ای از طرف مجلس در باره قتل‌های کهریزک تحقیق نمودند. هر دوی این تحقیقات نهایتاً به این نتیجه رسید که این قتلها در نتیجه آزار زندانیان بوده است. تحقیقات مجلس، رهبران گروه مخالف را مقصر دانست.<sup>۲۹۶</sup>

### ر بوده شدن‌های اجباری

۱۲۳- کمیته ذکر کرده است که امتناع یا ناتوانی دولت در مطلع کردن اعضاء خانواده از محل جسد شخصی که اعدام گردیده است، نقض ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد.<sup>۲۹۷</sup> در سال ۱۳۷۲، کمیته در باره بسیاری از موارد مفقود شدن‌ها در ایران ابراز نگرانی نموده و از کشور عضو رسماً خواسته است برای پیشگیری از این مفقودها، اقداماتی انجام، و در باره ادعاهای مربوط به مفقود شدن افراد تحقیقاتی انجام دهد و مرتکبین را مجازات نماید.<sup>۲۹۸</sup>

۱۲۴- به دنبال انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، مقامات ایرانی مکرراً برای روزها و هفته‌ها، خانواده‌ها را از دریافت اجساد عزیزانشان باز می‌داشتند، اجازه نمی‌دادند از علت مرگ آنها مطلع شوند و اجرای مراسم تشییع را ممنوع می‌کردند. عبدالحسین روح‌الامینی، سیاستمدار برجسته، برای دو هفته در جستجوی پسرش بود بدون اینکه موفقیتی به دست آورد، و فقط پس از رویارویی با وزیر اطلاعات، توانست بفهمد جسد فرزندش را کجا نگاه داشته‌اند.<sup>۲۹۹</sup>

۱۲۵- در برخی موارد، مقامات تنها اجساد کشته شدگان تظاهرات پس از انتخابات ۱۳۸۸ را به شرطی به خانواده‌هایشان تحویل می‌دادند که آنها در باره مرگ بستگانشان اعلان عمومی راه نیاندازند. مقامات

---

<sup>۲۹۵</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۵۲-۵۳.

<sup>۲۹۶</sup> همان، صص. ۴۸، ۵۲.

<sup>۲۹۷</sup> «فتوای مرگبار»، رک. زیرنویس ۶۲، ص. ۵۸.

<sup>۲۹۸</sup> «مشاهدات نهائی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف‌های ۱۰، ۱۹.

<sup>۲۹۹</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۵۰.

همچنین خانواده‌های قربانیان را از انتشار علت واقعی مرگ، در میان مردم ممنوع نموده و حتی در بعضی موارد، خانواده‌ها را مجبور کردند اعلام نمایند که علت مرگ اتفاقی بوده است.<sup>۳۰۰</sup>

## حق حیات (ماده ۶)

۱۲۶- ماده ۶ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌نماید که افراد نباید به طور خودسرانه از داشتن حق حیات محروم شوند. این کمیته نقض این حق را از جانب یک کشور عضو، امری بسیار جدی تلقی می‌کند.<sup>۳۰۱</sup> کمیته اظهار نموده است که ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشتار خودسرانه توسط نیروهای امنیتی را ممنوع می‌کند.<sup>۳۰۲</sup>

### ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲ کمیته حقوق بشر و گزارش سال ۱۳۸۸ کشور عضو

۱۲۷- در ملاحظات نهایی سال ۱۳۷۲، کمیته استفاده مکرر کشور عضو از حکم اعدام را محکوم نموده، و مذکور داشته است حکم اعدام، اگر هم اصلاً قرار باشد جاری گردد باید در مورد جنایات جدی به کار گرفته شود، و نه در مورد جرایم اقتصادی، فساد، زنا، محصنه، یا دیگر جرایم غیر مهلک. کمیته، علاوه بر آن مشاهده نموده است که در بسیاری از موارد در ایران، برای قربانیان بدون انجام تشریفات اولیه قانونی، حکم اعدام صادر شده است. کمیته همچنین استفاده ایران از سنگسار به عنوان نوعی اعدام را تقییح نموده است.<sup>۳۰۳</sup>

۱۲۸- کشور عضو در گزارش سال ۱۳۸۸ خود قید نموده است که اصل ۲۲ قانون اساسی ایران می‌گوید «جان ... افراد از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز نماید.» کشور عضو اظهار می‌دارد «برای مجازات اعدام، مراحل حقوقی دقیق و قاطع بیشتری وجود دارد و حکم دادگاه تجدید نظر باید توسط دیوان عالی کشور تأیید شود. به همین دلیل احکام اعدام صادره توسط دادگاه‌های بدوی به آسانی [از سوی دادگاه‌های عالی‌تر] تأیید نمی‌شوند». علاوه بر آن، کشور عضو توضیح داد که آنها افراد را برای

<sup>۳۰۰</sup> همان، ص. ۳۸.

<sup>۳۰۱</sup> «فتوای مرگبار»، رک. زیرنویس ۶۲، ص. ۵۵.

<sup>۳۰۲</sup> نگاه کنید به «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۴۳-۴۴.

<sup>۳۰۳</sup> «مشاهدات نهایی»، رک. زیرنویس ۱، پاراگراف‌های ۸، ۱۱.

جرایم مختلفی اعدام می‌کنند، از جمله بعضی از موارد زنای محصنه و قاچاق مواد مخدر. «اقدام برای براندازی دولت با اسلحه و مواد منفجره» هم مجازات اعدام در پی خواهد داشت.<sup>۳۰۴</sup>

### استفاده از مجازات اعدام پس از انتخابات سال ۱۳۸۸

۱۲۹- در مهر ۱۳۸۸، محمد رضا علی زمانی پس از ارائه یک اعتراف اجباری تلویزیونی و بیان اینکه وی از سوی انجمن پادشاهی برای انجام یک سری عملیات تروریستی و خرابکارانه نقشه کشیده بوده است، به اعدام محکوم شد. وی در بهمن ماه ۱۳۸۷ پیش از وقوع اتهامات نسبت داده شده به وی، دستگیر شده بود، و در طی نخستین محاکمه گروهی نمایشی اعتراف کرده بود.<sup>۳۰۵</sup>

۱۳۰- آرش رحمان‌پور بیست ساله به همان جرایم علی زمانی اعتراف نمود. اعترافات اجباری وی نیز از تلویزیون پخش شد.<sup>۳۰۶</sup>

۱۳۱- محمد نجار، وزیر کشور پس از عاشورا تهدید کرد تمام افرادی که در تظاهرات شرکت کرده بودند را به محاربه متهم خواهد نمود، و بدین ترتیب در صورتی که گناهکار شوند، آنها را مستحق اعدام خواهد شمرد.<sup>۳۰۷</sup> اقداماتی که جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، یا سیاسی دولت کشور عضو را به چالش بطلبد، محاربه قلمداد خواهد شد.<sup>۳۰۸</sup>

۱۳۲- کشور عضو، اعضاء جنبش حقوق زنان را به عضویت در سازمان مجاهدین خلق متهم نمود، که این هم مجازات اعدام در بر دارد.<sup>۳۰۹</sup>

### استفاده از نیروهای مهلک علیه تظاهرکنندگان

۱۳۳- تعداد کل افرادی که پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ کشته شده‌اند نامشخص است و چرایی آن نیز برمی‌گردد به اینکه مقامات دولتی خانواده‌ها و مردم را بطور جدی از کشف محل و سرنوشت بسیاری از

<sup>۳۰۴</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف‌های ۲۰۰، ۳۸۴-۸۵.

<sup>۳۰۵</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۸۶.

<sup>۳۰۶</sup> همان، صص. ۸۶-۸۷.

<sup>۳۰۷</sup> همان، ص. ۳۹.

<sup>۳۰۸</sup> نگاه کنید به «خاموش کردن جنبش زنان در ایران»، رک. زیرنویس ۵، ص. ۱۸.

<sup>۳۰۹</sup> همان، صص. ۳۷-۳۸.



قربانیان باز داشته‌اند. کشور عضو در شهریور ۱۳۸۸ گزارش داد که مجموعاً سی و شش نفر، از جمله نیروهای امنیتی، کشته شده‌اند. چندین سازمان سعی کردند فهرست کشته شدگان اعتراضات پس از انتخابات را جمع آوری و منتشر نمایند. یک فهرست که توسط کمیسیون منتصب به میرحسین موسوی به ریاست علیرضا بهشتی پسر یکی از برجسته‌ترین رهبران انقلاب ۱۳۵۷ تهیه گردیده، تعداد قربانیان خشونت‌های پس از انتخابات را تا قبل از عاشورا، هفتاد و دو نفر ذکر نموده است. این فهرست برای کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس ارسال گردید که آنها آن را رد کردند زیرا فاقد «اطلاعات اولیه» از قبیل شماره شناسنامه قربانیان بود. برای برخی از ناظران، اعتبار این لیست با دستگیری بهشتی چند روز پس از تکمیل آن، دو چندان شد.<sup>۳۱۰</sup>

۱۳۴- در روز یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ بر اساس گزارشها مأموران کشور عضو، از باتوم برقی برای کشتن دانشجویان فاطمه براتی، مبینا احترامی، محسن ایمانی، کسرا شرفی، و کامبیز شعاعی استفاده کردند. مأموران همچنین ایمان نمازی و مصطفی غنیا را در همان شب در طی حمله به خوابگاه دانشگاه در تهران کشتند.<sup>۳۱۱</sup>

۱۳۵- دوشنبه، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸:

- در روز ۲۵ خرداد سهراب اعرابی در حین تظاهرات ناپدید شد. خانواده او گزارش کردند که سوابق پزشکی قانونی نشان می‌دهد که جسد او در روز ۲۹ خرداد به آنجا وارد شده، ولی تا ۲۰ تیر به آنها اجازه دسترسی به جسد داده نشد؛<sup>۳۱۲</sup>
- ناصر امیرنژاد توسط شلیک گلوله بسیج از پای درآمد؛
- مهدی کرمی و مسعود خسروی به ضرب گلوله از پای درآمدند؛
- داوود صدری در بیرون پایگاه بسیج مقصد نزدیک میدان آزادی در تهران، مورد هدف گلوله قرار گرفت؛
- کیانوش آسا، دانشجوی دوره فوق لیسانس در رشته شیمی نفت در دانشگاه علم و صنعت ایران، به نظر می‌رسد مورد هدف گلوله قرار گرفته باشد؛<sup>۳۱۳</sup>
- شاهدان عینی گزارش می‌کنند که حسین اخترزند توسط مأموران امنیتی لباس شخصی از پشت بام طبقه سوم در اصفهان به پایین پرتاب شد؛ و

<sup>۳۱۰</sup> «پیامد خشونت بار»، رک. زیرنویس ۱۴، صص. ۴۳-۴۴.

<sup>۳۱۱</sup> همان، صص. ۱۴-۱۵.

<sup>۳۱۲</sup> همان، ص. ۵۹.

<sup>۳۱۳</sup> همان، ص. ۱۹.

- کشتارهای تأیید شده‌ای در مشهد و کرمانشاه نیز گزارش شده‌اند.<sup>۳۱۴</sup>

۱۳۶-شنبه، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸:

- ندا آقاسلطان در خیابانی در تهران از ناحیه سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. وی پیش از رسیدن به بیمارستان درگذشت. شاهدان عینی گزارش کردند که آقاسلطان توسط یکی از مأموران بسیج هدف اصابت گلوله قرار گرفت. مقامات کشور عضو بعداً دکتر آرش حجازی را که در خیابان به کمک او شتافته بود، مورد آماج قرار دادند.<sup>۳۱۵</sup>
- اشکان سهرابی (۲۰ ساله) در یکی از خیابانهای تهران از ناحیه سینه مورد هدف اصابت گلوله قرار گرفت؛
- مسعود هاشم‌زاده در تهران از ناحیه سینه هدف گلوله واقع شد؛
- کاوه علیپور (۱۹ ساله) در حالی که در سر تقاطعی در تهران ایستاده بود، از ناحیه سر مورد هدف گلوله قرار گرفت.<sup>۳۱۶</sup>

۱۳۷-خبرگزاری جمهوری اسلامی تعداد کشته شدگان روز عاشورا ۶ دی ۱۳۸۸، را ۳۷ تن اعلام کرد. بر طبق گفته دادستان تهران، چهار تن در تبریز و هفت تن در تهران کشته شدند. علی حبیبی موسوی، خواهرزاده میر حسین موسوی، نامزد ریاست جمهوری، از ناحیه سینه مورد هدف گلوله قرار گرفت. گزارشها حاکی از آن است که مرگ او هدف سازی شده بود و این مرد ۴۳ ساله که پدر دو فرزند بود، در هیچیک از تظاهرات شرکت نکرده بوده است.<sup>۳۱۷</sup>

### نتیجه گیری و توصیه

۱۳۸-مرکز اسناد حقوق بشر ایران موارد گسترده نقض حقوق بشر را که کشور عضو مرتکب شده، شدیداً محکوم می‌نماید، و رسماً از کشور عضو می‌خواهد که در اسرع وقت اقدامات ذیل را انجام دهد:

<sup>۳۱۴</sup> همان، ص. ۲۰.

<sup>۳۱۵</sup> همان، صص. ۲۵-۲۷.

<sup>۳۱۶</sup> همان، صص. ۲۴-۲۵.

<sup>۳۱۷</sup> همان، صص. ۳۷-۳۸.

۱۳۹- به منظور پیروی از ماده ۲(۳):

- ۱) تلاش کند قربانیان موارد نقض حقوق بشر قادر شوند با برخورداری از حمایت کامل کشور عضو، از حق خود برای مطالبه غرامت قانونی استفاده کنند و کشور عضو آنها را در برابر انتقام عاملان دولتی یا غیر دولتی محافظت نماید.

۱۴۰- به منظور پیروی از ماده ۳:

- ۱) قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، و ارث را اصلاح نماید به طوریکه زنان و مردان از حقوق مساوی برخوردار شوند.
- ۲) قوانین مربوط به شهادت قانونی را اصلاح کند به طوری که ارزش شهادت زنان نیز معادل ارزش شهادت مردان باشد.

۱۴۱- به منظور پیروی از ماده ۶:

- ۱) تمام اعدامهای شتابزده که توسط عوامل دولتی و غیر دولتی انجام می‌شود و کشور عضو بر اجرای آنها تسلط دارد، را متوقف سازد.
- ۲) قانون مجازات اسلامی را اصلاح نماید به طوریکه مجازات اعدام، اگر هم قرار به اجرا باشد، فقط شامل حال افرادی باشد که محکوم به جرایمی شده‌اند که سبب مرگ دیگری شده است.
- ۳) سنگسار را به عنوان یک طریقه اعدام، از میان بردارد.

۱۴۲- به منظور پیروی از ماده ۷:

- ۱) هر گونه شکنجه و بدرفتاری از قبیل شلاق، ضرب و شتم، مشت، محرومیت از خواب، حبس انفرادی، تجاوز، آزارهای جنسی، و شکنجه‌های عاطفی و روانی (به ویژه به شکل تهدید علیه اعضاء خانواده بازداشت شدگان) که البته محدود به موارد فوق‌الذکر نمی‌شود را در زندانهای رسمی و غیر رسمی و بازداشتگاهها متوقف سازد.
- ۲) به کارکنان زندانها و بازداشتگاهها در باره حقوق انسانی بازداشت شدگان آموزش داده شود و افرادی که با بازداشت شدگان بدرفتاری می‌کنند فوراً از کار اخراج و مراحل دادرسی علیه آنها آغاز گردد.

۱۴۳- به منظور پیروی از ماده ۹:

- ۱) تمام دستگیریها و بازداشت‌های خودسرانه، به ویژه علیه مخالفان سیاسی، فعالان سیاسی، زنان، اقلیتها و فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسها، و اقلیت‌های مذهبی را فوراً متوقف نماید.
- ۲) دستگیریهای بدون حکم جلب را پایان دهید و علت دستگیری را فوراً به افراد اطلاع دهد.

۳) تضمین کند که همه دستگیر شدگان فوراً به حضور قاضی آورده شده و بدون اینکه رسماً اتهامشان به آنها ابلاغ شود و از محاکمه‌ای عادلانه برخوردار گردند، در بازداشت نمانند.

#### ۱۴۴- به منظور پیروی از ماده ۱۰:

- ۱) شرایط زندانها و بازداشتگاهها را مرتباً کنترل کند و وقت و منابع کافی به آن اختصاص دهد تا از وضعیت بهداشت اینگونه مراکز اطمینان حاصل نماید.
- ۲) اجازه ندهد زندانها و بازداشتگاهها بیش از ظرفیتشان به کار گرفته شوند؛ اطمینان یابد که فضا، توالت و حمام کافی برای همه بازداشت شدگان موجود است.
- ۳) وجود سیستمهای حرارتی و خنک کننده کافی در بازداشتگاهها و زندانها را تضمین نماید تا از بیماری بازداشت شدگان پیشگیری شود.
- ۴) همانطور که در قوانین ایران نیز قید شده، افراد را بیش از بیست روز در سلول انفرادی نگاه ندارد.
- ۵) برای تمام محبوسین امکان استفاده از مراقبتهای مناسب و فوری پزشکی فراهم نماید.
- ۶) مراقب باشد که تمام زندانیان امکان یابند خانواده و وکیل خود را از محل و وضعیت خود مطلع نمایند و قادر باشند با خانواده و وکیل خود به طور خصوصی ملاقات نمایند.
- ۷) به مأموران زندان و بازداشتگاه اجازه ندهد دستگیر شدگان را مجبور به امضاء اعترافات یا اظهارات کاذب نمایند.

#### ۱۴۵- به منظور پیروی از ماده ۱۲:

- ۱) ممنوعیت سفر کلیه افرادی که پرونده کیفری در حال بررسی ندارند را لغو نماید. به ویژه از جهت انتقامجویی، فعالان سیاسی یا حقوق بشر را از ترک کشور باز ندارد.

#### ۱۴۶- به منظور پیروی از ماده ۱۴:

- ۱) متهمین کیفری را به صورت غیابی محاکمه نکند.
- ۲) این امکان را فراهم کند که هر شخصی که به تخلفات جزایی متهم می‌شود، به طور عادلانه در یک «دادگاه ذیصلاح، مستقل، و بی طرف» محاکمه شود. مخصوصاً از دادگاهها به عنوان یک جلسه مناظره برای محکوم نمودن مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، یا دیگر اشخاصی که تهدیدی برای امنیت کشور نیستند، استفاده نکند.
- ۳) این امکان را فراهم نماید که متهمین هم فرصت رویارویی و پرسش از شهودی که علیه ایشان شهادت داده‌اند را داشته باشند.

#### ۱۴۷- به منظور پیروی از ماده ۱۷:

- ۱) به مأموران دولت اجازه ندهد بدون داشتن حکم بازرسی و بدون نشان دادن حکم به صاحبخانه، به منازل، دفاتر، یا دیگر اماکن خصوصی افراد یورش ببرند.
- ۲) به مأموران دولت اجازه ندهد به تفتیش اموال خصوصی افراد یا توقیف اشیائی از اموال شخصی افراد بپردازند مگر آنکه احتمالاً دلیل معقولی داشته باشند که این تفتیش یا توقیف به تحقیق در باره اتهامات معین و بخصوصی کمک خواهد نمود.
- ۳) به مأموران دولت اجازه ندهد به دستگیری، بازداشت، تهدید، آزار، یا اذیت اعضاء خانواده افرادی که دولت سعی دارد صدایشان را خاموش، و یا ایشان را دستگیر نماید، بپردازند.
- ۴) به مأموران دولت اجازه ندهد افراد را مثلاً با گوش کردن به مکالمات تلفنی شان بدون داشتن دلیل معقولی که چنین کنترلی برای متهم نمودن شخص به یک جرم خاص ضروری است، زیر نظر بگیرند. علی‌الخصوص به مأموران اجازه ندهد به منظور جمع‌آوری اطلاعات شخصی نامربوط به جرم مورد نظر، صرفاً برای استفاده از این اطلاعات برای تحت فشار گذاشتن افراد دستگیر شده برای «همکاری» در طی بازجویی، افراد را زیر نظر بگیرند.

#### ۱۴۸- به منظور پیروی از ماده ۱۸:

- ۱) قانون اساسی و دیگر قوانین مربوطه را اصلاح نماید تا مشروعیت تمام مذاهب، و حقوق مساوی اعضاء آن ادیان و افرادی که از اسلام به دیانت دیگری گرویده‌اند را، به رسمیت بشناسند.
- ۲) افراد را صرفاً بر پایه اعتقادات یا افکار مذهبی، سیاسی و یا دیگر افکار و عقایدشان، دستگیر یا بازداشت نکند یا مورد تعرض قرار ندهد.

#### ۱۴۹- به منظور پیروی از ماده ۱۹:

- ۱) کلیه عملیات فیلتر کردن اینترنت در سراسر کشور را متوقف سازد. به ویژه اختیار افراد برای میزبانی و دسترسی به وبسایتهای مربوط به حقوق زنان، حقوق بشر، و وبسایت‌هایی که خدمات ترجمه یا اطلاعاتی در مورد وقایع جاری فراهم می‌سازند، را مختل نسازد.
- ۲) قانون مطبوعات و دیگر قوانین مربوطه را اصلاح نماید تا موانع خودسرانه برای جلوگیری افراد از گرفتن جواز ارائه خدمات اینترنتی و جستجو و انتقال اطلاعات یا نظرات بر روی اینترنت از میان برود.
- ۳) قید و بندهای موجود بر سر راه حقوق افراد برای داشتن و بیان نظرات سیاسی‌شان چه مستقلاً و چه به طور هماهنگ با دیگران بدون مواجه شدن با مجازاتهای شدید و خودسرانه، را کنار گذارد. مرکز اسناد حقوق بشر ایران مشتاقانه در انتظار تصویب لایحه‌ای است که تفاوت میان جرایم سیاسی و غیر سیاسی

را تعیین نماید،<sup>۳۱۸</sup> و امیدوار است این لایحه و دیگر اصلاحات بتوانند تطابقی میان ایران و تعهداتش نسبت به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد نماید.

#### ۱۵۰- به منظور پیروی از ماده ۲۱:

- ۱) قوانین حاکم بر مراحل کسب اجازه برای تظاهرات را اصلاح نماید به طوریکه افرادی که تقاضای مجوز برای برگزاری تظاهرات عمومی می‌کنند، صرفاً به خاطر اعتقادات سیاسی و یا دیگر عقایدشان، به طور خودسرانه از حق خود برای تجمع آزاد محروم نگردند.
- ۲) به مأموران دولت اجازه ندهد که از خشونت - به ویژه استفاده از گلوله و باتوم - برای حمله به تظاهر کنندگان صلح‌جو، استفاده نمایند.
- ۳) در حق افراد برای تجمع به منظور عزاداری، دخالت نکند.

#### ۱۵۱- به منظور پیروی از ماده ۲۲:

- ۱) افراد را صرفاً به دلیل وابستگی‌شان به سازمانهای مذهبی یا سیاسی دستگیر نکند.

---

<sup>۳۱۸</sup> «سومین گزارش دوره‌ای ایران»، رک. زیرنویس ۲، پاراگراف ۱۷۵.